

همگرایی منطقه‌ای ایران و سازمان همکاری شانگهای

مهران نصیرزاد،* میرعبداله حسینی** و وحید بزرگی***

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۴	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۸	شماره صفحه: ۴۵۸-۴۲۱
-------------------	--------------------------	-------------------------	---------------------

سازمان همکاری شانگهای با محوریت چین در ابعاد اقتصادی، سرمایه‌گذاری و تجاری جایگاه پویا و روبه‌رشدی در اقتصاد بین‌الملل دارد و با عضویت کامل ایران در سازمان، منافع قابل توجه غیراقتصادی، اقتصادی و تجاری متقابل می‌تواند به همراه آورد. مطالعه حاضر در راستای ارائه پاسخ به این پرسش‌هاست که از عملکرد گذشته و دورنمای تجارت درون منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای سازمان همکاری شانگهای و جایگاه ایران چه ارزیابی می‌توان کرد؟ و آیا با گذشت دو دهه از شکل‌گیری سازمان و الحاق تعدادی از کشورها و افزایش اعضا، تغییر و تحولات تجاری آنها ناشی از اثر ایجاد تجارت بوده است یا انحراف تجارت؟ هدف اصلی مقاله، ارزیابی کارآمدی و موفقیت همگرایی اقتصادی اعضای سازمان همکاری شانگهای و ایران است. برای این منظور، دو معیار عمده همگرایی منطقه‌ای «همگونی و تجانس شاخص‌های اقتصادی» و «درجه همگرایی تجارت» برای سازمان همکاری شانگهای و اعضای آن طی دوره ۲۰۲۰-۲۰۰۰ مورد بررسی و سنجش قرار گرفته است. نتایج مطالعه نشان می‌دهد طی دوره مورد مطالعه، شکاف و دامنه پراکنش درآمد سرانه برای برخی کشورها روبه‌کاهش و برای برخی دیگر روبه‌افزایش گذاشته است و همگونی و تجانس شاخص‌های توسعه برای تمامی اعضای سازمان در بلندمدت رخ نداده است. همچنین، افزایش سهم تجارت درون منطقه‌ای سازمان و ایران همسو با توسعه تجارت بین‌الملل آنها نبوده و توسعه و تعمیق تجارت درون منطقه‌ای نه تنها به توسعه تجارت بین‌الملل ایران منجر نشده، بلکه به انحراف تجارت نیز انجامیده است. تحلیل نتایج حاکی است که عدم توسعه تجارت درون منطقه‌ای ناشی از ساختار تجاری ضعیف ایران است و هم‌اکنون امکان توسعه تجارت درون منطقه‌ای و همگرایی ایران با سازمان ضعیف به نظر می‌رسد. البته با توسعه و ارتقای ساختار اقتصادی-تجاری ایران، امکان بهره‌گیری از منافع همگرایی فراهم می‌شود.

کلیدواژه‌ها: همگرایی اقتصادی منطقه‌ای؛ همگونی اقتصادی؛ شدت تجاری؛ سازمان همکاری شانگهای؛ ایران

* استادیار گروه حسابداری و مدیریت، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد آستارا؛

Email: mehran.nasirzad@iau.ac.ir

** دانشیار گروه بازرگانی خارجی، پژوهشکده توسعه بازرگانی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی (نویسنده مسئول)؛

Email: m.hosseini@itsr.ir

*** دانشیار گروه بازرگانی خارجی، پژوهشکده توسعه بازرگانی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی؛

Email: v.bozorgi@itsr.ir

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال سی و یکم، شماره یکصد و نوزدهم، پاییز ۱۴۰۳

doi:10.22034/mr.2023.5527.5257

مقدمه و طرح مسئله^۱

اندیشه شکل‌گیری سازمان همکاری شانگهای^۲ به اواخر دهه ۱۹۸۰ برمی‌گردد. در آن سال‌ها تغییرات زیادی در روسیه و چین در حال انجام بود. چین درگیر آموزه‌های شیائوپینگ و مدل‌هایی بود که اصلاح‌طلبانی چون زائو زیانگ دنبال می‌کردند. روسیه و چین دریافته بودند که نمی‌توانند به تنهایی در برابر قدرت مطلق بیستند که در جهان غرب وجود دارد در آن زمان، فرمول کاهش تنش در دستور کار دو کشور قرار گرفت و همچنین زمان برای تغییرات مناسب به نظر می‌رسید. زمینه شکل‌گیری سازمان همکاری شانگهای به سال ۱۹۸۹ و سفر گورباچف به چین بازمی‌گردد که مذاکراتی در سطوح بالا برای حل و فصل اختلاف‌های مرزی دو کشور آغاز شد. پس از فروپاشی شوروی و تقسیم قلمرو آن به ۱۵ کشور مستقل در ۲۶ آوریل ۱۹۹۶، پنج کشور هم‌مرز یعنی روسیه، چین، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان در شهر شانگهای گرد هم آمدند و گروه موسوم به «شانگهای ۵» را با هدف حل اختلاف‌های مرزی و منطقه‌ای، تقویت اعتماد متقابل و خلع سلاح در مرزها و ایجاد کمربند حسن هم‌جواری مرزی تأسیس کردند (بزرگی و حسینی، ۱۳۸۹: ۲). در پنجمین اجلاس سران «شانگهای ۵» (۱۵ ژوئن ۲۰۰۱ در شانگهای) اعضا درخواست کشور غیرهم‌مرز ازبکستان را برای عضویت دائم در سازمان پذیرفتند و به دنبال آن با صدور بیانیه‌ای تشکیل «سازمان همکاری شانگهای» را اعلام کردند. این سازمان در سال ۲۰۰۴، مغولستان و یک سال بعد ایران، هند و پاکستان را به عنوان عضو ناظر پذیرفت (همان). سپس سند عضویت ایران پس از ۱۶ سال عضویت ناظر در بیست‌ویکمین نشست

۱. مقاله حاضر برگرفته و اضافات بر گزارش پژوهشی «بررسی ابعاد اقتصادی و تجاری سازمان همکاری شانگهای و فرصت‌های پیش‌روی ایران» است که در گروه پژوهش‌های بازرگانی خارجی معاونت پژوهشی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی در زمستان سال ۱۴۰۰ به انجام رسیده است.

2. Shanghai Cooperation Organization

سران سازمان در تاریخ ۲۶ شهریور ۱۴۰۰ (۱۷ سپتامبر ۲۰۲۱) در تاجیکستان شهر دوشنبه، پذیرفته شد. اما این پذیرش تا زمان عضویت کامل، مستلزم قبول تمامی شرایط عضویت است. هم‌اکنون این سازمان با ۱۲ عضو شامل ۹ عضو دائم (روسیه، چین، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ازبکستان، هند، پاکستان و ایران) پذیرفته‌شده برای عضویت دائم، و سه عضو ناظر (مغولستان، بلاروس و افغانستان) است (سایت انگلیسی سازمان همکاری شانگهای^۱، ۲۰۲۴).

از ابتدای دهه ۲۰۲۰ با در نظر گرفتن اوضاع و احوال اقتصاد بین‌الملل و اهمیت جایگاه چین به‌ویژه پس از تنش‌های سیاسی بین روسیه و غرب با جنگ اوکراین از یک‌سو، و چین و غرب از سوی دیگر، به‌علاوه تکانه‌ها و شوک‌های وارده بر اقتصاد بین‌الملل ایران از کانال تحریم‌ها؛ سازمان همکاری شانگهای با ابعادو جنبه‌های چندوجهی متعددی مواجه است.

این مقاله تلاش دارد از جنبه اقتصادی بین‌المللی به ارزیابی همگرایی اقتصادی-تجاری ایران با سازمان همکاری شانگهای بپردازد. این مطالعه در راستای ارائه پاسخ به این پرسش‌هاست که عملکرد گذشته و دورنمای تجارت درون منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای سازمان چگونه ارزیابی می‌شود؟ و آیا از جنبه درجه همگرایی اقتصادی در مقایسه با دیگر ترتیبات منطقه‌ای، موفق ارزیابی می‌شود یا خیر؟ آیا با گذشت دو دهه از شکل‌گیری سازمان و الحاق تعدادی از کشورها به آن و افزایش اعضا، تغییر و تحولات تجاری اعضا- پس از عضویت آن کشورها در این ترتیب منطقه‌ای- ناشی از اثر انحراف تجارت بوده است یا اثر ایجاد تجارت؟ آیا عضویت این کشورها در سازمان به ایجاد تجارت در منطقه منجر شده است یا به انحراف تجارت؟ در این خصوص دو معیار عمده «همگونی شاخص‌های مختلف اقتصادی» و «درجه همگرایی تجاری» بین اعضای

1. <https://eng.sectesco.org/>

سازمان طی سال‌های ۲۰۱۹-۲۰۲۰ مورد مطالعه و ارزیابی قرار گرفته است. با مروری بر مطالعات و پژوهش‌های انجام شده مرتبط با سازمان همکاری شانگهای به این نتیجه می‌رسیم که مطالعات بی‌شماری با محوریت سیاسی و غیراقتصادی به انجام رسیده است. در واقع، نظر به محوریت سیاسی و امنیتی شکل‌گیری این سازمان، مطالعات مبتنی بر وجوه و جنبه‌های اقتصادی، تجاری و سرمایه‌گذاری این سازمان نازل و بسیار کم‌رنگ بوده است (حسینی، ۱۳۹۰: ۱۴۴). از این رو مطالعه حاضر در پنج بخش مقدمه، چارچوب نظری و پیشینه پژوهش، روش مطالعه، نتایج پژوهش و جمع‌بندی تلاش دارد به جنبه‌های اقتصادی با محوریت توسعه تجارت درون منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای سازمان با تکیه بر ایران بپردازد. گفتنی است نتایج پژوهش در پنج محور ارائه می‌شود به طوری که ابتدا، تجانس و همگونی درآمد سرانه کشورهای عضو و ناظر سازمان در دوره بلندمدت؛ سپس شاخص‌های کلیدی توسعه و اقتصاد بین‌الملل سازمان و تمام کشورهای عضو و ناظر؛ در محور سوم، شرکای تجاری طبیعی منطقه‌ای و بین‌المللی (جهانی) تمام کشورهای عضو و ناظر سازمان؛ در محور چهارم، موانع دسترسی به بازار، سیاست تجاری تمام کشورهای عضو و ناظر سازمان با محوریت تعرفه‌های گمرکی و در نهایت محور پنجم، کارآمدی و همگرایی تجارت در این سازمان با تأکید بر جایگاه تجارت ایران مورد محاسبه، تحلیل و ارزیابی قرار می‌گیرد.

۱. چارچوب نظری و پیشینه پژوهش

نظریه‌ها و بحث‌های موافق و مخالف فراوانی درباره نقش ترتیبات اقتصادی منطقه‌ای ابراز شده است. اقتصاددان کانادایی جاکوب واینر (۱۹۵۰) در کتاب مشهور خود با عنوان موضوع اتحادیه گمرکی^۱ نگرانی خود را در مورد این ترتیبات تجاری بیان داشت. به باور واینر، وقتی دو کشور براساس توافق تعرفه‌های خود را در مورد کالاهای یکدیگر حذف می‌کنند اما همین تعرفه‌ها را برای کالاهایی که از کشورهای ثالث وارد می‌شود حفظ می‌کنند، شاهد بهبود سوددهی مبادله برای تاجران دو کشور خواهند بود، زیرا هر دو کشور محصولات همسایگانیشان را که قادر به تولید ارزان‌تر هستند وارد می‌کنند. اما باید توجه داشت که در این حالت، تجارت منحرف می‌شود، زیرا اکنون دو کشور، کالاهایی را از یکدیگر می‌خرند که سابق بر این، از سایر کشورهایایی که در تولید آنها کارا تر بودند وارد می‌کردند. پیام صریح واینر این است که ترتیبات تجاری ترجیحی با تبعیض در آزادسازی تجاری، به تجارت اعضای خود و رفاه جهانی آسیب وارد می‌کند. در مقابل آن، نظریه «شرکای تجاری طبیعی»^۲ مطرح شده است. شرکای تجاری طبیعی بر مبنای وجود حجم تجارت بالا در میان دو یا چند کشور تعریف می‌شود. اقتصاددانانی مانند پل وناکات و مارک لوتز^۳ (۱۹۸۹) و نیز لورنس سامرز (۱۹۹۱)^۴ بر این باورند که در ترتیبات تجاری منطقه‌ای، ایجاد تجارت بیش از انحراف تجارت^۵ است. از طرف دیگر، پل کروگمن^۶ (۱۹۹۱) معتقد است که اگرچه تجارت بر مبنای مزیت نسبی استوار است، ولی تحت تأثیر مسائلی از

-
1. Jacob Viner, The Customs Union Issue
 2. Natural Trading Partners (NTP)
 3. Mark Lutz
 4. Lawrence Summers
 5. Trade Diversion (TD) and Trade Creation (TC)
 6. Paul Krugman

قبیل وضعیت جغرافیایی قرار دارد و نزدیکی جغرافیایی و کاهش فاصله، هزینه‌های حمل و نقل را کاهش می‌دهد. همسایگان در چنین مناطقی در گستره وسیعی با یکدیگر به دادوستد می‌پردازند و بدین ترتیب، انحراف تجاری بسیار اندک خواهد بود (حسینی، ۱۳۹۰: ۷۰). این نظریه به‌طور تجربی در بسیاری از مناطق جغرافیایی جهان به‌ویژه در مناطق توسعه‌یافته نظیر اروپا و آمریکای شمالی تأیید می‌شود. باگواتی و پاناگاریا^۱ اقتصاددان هندی تبار آمریکایی یادآور می‌شود که اقتصاددانان پیش‌گفته، مقوله ترتیبات منطقه‌ای را به‌صورت ایستا در نظر می‌گیرند و تأثیرات پویای این ترتیبات را لحاظ نمی‌کنند که با در نظر گرفتن عامل زمان در تسریع یا کاهش موانع تجاری در تجارت جهانی سنجیده می‌شود. باگواتی دو مفهوم بلوک‌های بازدارنده و سازنده را مطرح می‌کند که به دو مفهوم انحراف تجارت و ایجاد تجارت که واینر مطرح کرده بود، نزدیک است. مسئله انحراف تجارت یا بازدارنده بودن ترتیبات اقتصادی در رشد تجارت ملت‌ها، به‌سادگی قابل اندازه‌گیری نیست و بدین لحاظ، به اهداف و اصول تشکیل ترتیبات باید توجه بیشتری معطوف شود. در متون تجارت، ترتیبات تجاری منطقه‌ای نوعی سیاست تجاری در راستای کاهش یا حذف موانع و محدودیت‌های تجاری میان اعضا قلمداد می‌شود. این ترتیبات اشکال مختلفی دارد که ترتیبات تجاری ترجیحی و آزاد از جمله آنها است.

انحراف تجارت که به‌عنوان یکی از آثار منفی ترتیبات تجاری ترجیحی در سطح منطقه‌ای شناخته می‌شود، در حالتی به‌وقوع می‌پیوندد که تولیدات نامرغوب و پرهزینه اعضا در نتیجه برخورداری از ترجیحات تجاری با تولیدات مرغوب‌تر و کم‌هزینه‌تر غیراعضا جایگزین شوند. این مسئله به مفهوم کاهش تجارت با تولیدکنندگان غیرمنطقه‌ای و به‌عبارت‌دیگر همان انحراف تجارت است. انحراف تجارت هزینه‌ها

1. Bhagwati and Panagariya

و آثار سوء زیادی را از خود برجای می‌گذارد. از مهم‌ترین تأثیرات منفی انحراف تجارت ایجاد اختلال در شرایط طبیعی رقابت بین‌المللی، تقسیم بین‌المللی منابع و بهره‌گیری از مزیت نسبی در سطح بین‌المللی است (Sheila, 2000: 39). تغییر الگوهای مبتنی بر مزیت نسبی در تجارت در اثر انحراف تجارت در نهایت موجب کاهش رفاه مصرف‌کنندگان می‌شود. از دیگر هزینه‌های عمده انحراف تجارت می‌توان به از دست رفتن عواید و درآمدهای گمرکی دولت‌ها اشاره کرد. این مسئله مخصوصاً در مورد کشورهای در حال توسعه که اتکای بیشتری به درآمد گمرکی به‌عنوان یکی از منابع تأمین بودجه خود دارند، موضوعیت بیشتری می‌یابد. کاهش موانع تجاری برای صادرکنندگان غیرعضو، هم‌زمان با مبادله ترجیحات تجاری بین اعضای ترتیبات منطقه‌ای، هزینه انحراف تجارت را کاهش داده یا از بین می‌برد. در بسیاری موارد، تولیدکنندگان منطقه‌ای با اتکا به مزیت‌های طبیعی نظیر نزدیکی جغرافیایی و هزینه پایین‌تر حمل‌ونقل در مقایسه با تولیدکنندگان غیرمنطقه‌ای از قابلیت رقابت برخوردارند (Hoekman and Schiff, 2002: 552).

ایجاد تجارت ممکن است یکی از مهم‌ترین تأثیرات اقتصادی ترتیبات تجاری باشد. این اثر زمانی به‌وقوع می‌پیوندد که تولیدات کارآمدتر و کم‌هزینه‌تر دیگر کشورهای عضو یک ترتیب تجاری، در نتیجه آزادسازی تجاری جایگزین تولیدات غیرکارآمد و هزینه‌بر داخلی شود. از آنجا که اثر ایجاد تجارت در نتیجه رقابت بین تولیدکنندگان منطقه‌ای در خصوص بخش‌ها و محصولاتش شکل می‌گیرد که قبلاً مورد حمایت قرار گرفته و تجارتی با دنیای خارج در آنها وجود نداشته است، فاقد هرگونه اثر سوء برای تولیدکنندگان غیرمنطقه‌ای است. ایجاد تجارت موجب افزایش بهره‌وری و تخصصی شدن تولیدات منطقه‌ای برپایه مزیت نسبی و نیز بهبود رفاه عمومی اعضای یک ترتیب تجاری می‌شود. اثر ایجاد تجارت، از آنجا که در نتیجه رقابت بین تولیدکنندگان

منطقه‌ای شکل می‌گیرد، تولیدکنندگان ناکارآمد داخلی را با بحران مواجه می‌سازد و آنها را ناگزیر به افزایش بهره‌وری یا خروج از گردونه رقابت می‌کند. تعطیلی تولیدات ناکارآمد، کاهش تولیدات داخلی و ازدست‌رفتن فرصت‌های شغلی در نتیجه سیل واردات (از تولیدکنندگان کارآمدتر منطقه‌ای) از پیامدهای منفی ایجاد تجارت برای اقتصاد اعضا است. این مسئله افزایش فشارهای سیاسی را در مخالفت با این‌گونه ترتیبات تجاری باعث می‌شود و مقاومت‌هایی را علیه آزادسازی تجاری منطقه‌ای به‌بار می‌آورد. بر این اساس، اعضای ترتیبات غالباً برای جلوگیری از اثر ایجاد تجارت و خسارت به تولیدکنندگان ناکارآمد داخلی در جریان آزادسازی منطقه‌ای، تجارت بخش‌ها یا محصولات خاصی را از شمول تعهدات آزادسازی مستثنا می‌سازند یا ابزارها و سازوکارهای حفاظتی آسان‌تری را برای آنها فراهم می‌آورند (Hoekman and Schiff, 2002: 554). در جدول ۱ عنوان برخی پژوهش‌ها با نتایج و روش مطالعه آورده شده است.

جدول ۱. برخی شواهد تجربی و مروری بر مطالعات و پژوهش‌ها

مؤلف (سال)	عنوان مقاله / کتاب	فصلنامه	روش پژوهش	نتایج پژوهش
حسینی و بزرگی (۱۳۸۱)	شرکای منطقه‌ای ایران و امکان تشکیل هسته مرکزی یک هم‌پیوندی منطقه‌ای	پژوهشنامه بازرگانی	نماگرها و معیارهای چندگانه کلیدی اقتصادی و اقتصاد بین‌الملل	شناسایی شرکای تجاری طبیعی منطقه‌ای ایران در منطقه منا
حسینی و هومن (۱۳۸۶)	مطالعه تطبیقی شاخص‌های اقتصاد کلان بین‌الملل کشورهای اکو در فرایند منطقه‌گرایی	دانش و توسعه	معیارهای همگونی و کارآمدی منطقه‌گرایی	ناموفق در همگونی اقتصادی و ناکارآمد در همگرایی منطقه‌ای
حسینی (۱۳۹۰)	توسعه تجارت ایران با سازمان همکاری شانگهای	-	مجموعه ملاک‌ها و شاخص‌های متنوع و مختلف اقتصادی و تجارت منطقه‌ای	ارزیابی توسعه اقتصادی و تجارت منطقه‌ای
بزرگی و حسینی (۱۳۸۹)	سازمان همکاری شانگهای: تحولات گذشته و چشم‌انداز آینده	مطالعات اوراسیای مرکزی	معیارهایی از جنبه‌های پنجگانه اقتصاد، تجارت، سرمایه‌گذاری، انرژی و نظامی	قابلیت ارتقا به بزرگ‌ترین قطب‌های بین‌المللی چندبعدی
بزرگی و حسینی (۱۳۹۰)	سازمان همکاری شانگهای و جنبه‌های عضویت دائم ایران	اطلاعات سیاسی اقتصادی	مطالعه تطبیقی ساختار، اصول، اهداف و مواضع، تهدید و فرصت‌ها	شناسایی و تحلیل مواضع و تهدید و فرصت‌های پیش رو عضویت دائم
امیراحمدیان و حسینی (۱۳۹۰)	مطالعه جایگاه ژئواکونومی سازمان همکاری شانگهای در جهان	ژئوپلیتیک	معیارهایی از جنبه‌های چندگانه توسعه اقتصاد، تجارت، سرمایه‌گذاری و زیرساخت‌ها	شناسایی قوت و ضعف‌ها و فرصت‌ها و تهدیدهای مشترک پیش رو
راسخی و حسینی (۱۳۹۶)	ارزیابی همگرایی اقتصادی منطقه‌ای حوزه دریای خزر	مطالعات اوراسیای مرکزی	معیارهای همگونی و کارآمدی منطقه‌گرایی	ارزیابی همگونی اقتصادی و همگرایی تجارت منطقه‌ای

مؤلف (سال)	عنوان مقاله / کتاب	فصلنامه	روش پژوهش	نتایج پژوهش
حسینی، امیراحمدیان و نصیرزاد (۱۳۹۷)	مطالعه شاخص‌های توسعه‌ای کشورهای ساحلی خزر در فرایند همگرایی منطقه‌ای	مطالعات اوراسیای مرکزی	معیارهایی از جنبه‌های چندگانه توسعه اقتصاد، تجارت، سرمایه‌گذاری و زیرساخت‌ها	بلوک‌های منطقه‌ای سازنده با شکل‌گیری تدریجی FTA

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

۲. روش‌شناسی مطالعه و جمع‌آوری داده‌ها

ترتیب‌های منطقه‌ای به گسترش تجارت بین اعضا کمک می‌کند. امروزه ترتیب‌های تجاری مختلفی در دنیا فعالیت دارند و سطوح کارآمدی بین آنها متفاوت است. این سؤال مطرح است که در چه شرایطی می‌توان یک ترتیب تجاری را در مقایسه با دیگر ترتیب‌های منطقه‌ای مشابه، موفق و کارآمد ارزیابی کرد و اصولاً ملاک‌های موفقیت ترتیب تجاری چیست؟ ساده‌ترین شاخصی که می‌توان به‌عنوان معیاری برای امکان‌سنجی ادغام^۱ بین گروهی از کشورها استفاده کرد، تولید ناخالص داخلی (اندازه اقتصاد) کشورهاست. وقتی کشورها از نظر اندازه اقتصاد و درآمد سرانه به هم نزدیک‌تر باشند، امکان تجارت بین آنها افزایش می‌یابد (هیلپمن، ۱۹۸۴: ۸۱۲). در واقع کشورها از نظر اندازه اقتصاد به هم نزدیک هستند و تولیدات متنوع‌تری را وارد می‌کنند. نتایج تجربی این معیار برای سازمان توسعه و همکاری اقتصادی مورد تأیید است. در این زمینه می‌توان دو معیار عمده را مورد بررسی قرار داد که با مقوله‌های ایجاد و انحراف تجارت ارتباط دارند: الف) تجانس و همگونی در درآمد سرانه^۲ و ب) درجه همگرایی تجاری بین کشورهای عضو آن یا شاخص شدت تجارت.^۳

1. Integration
2. Economic Convergence Index (ECI)
3. Trade Intensity Index (TII)

الف) تجانس و همگونی در درآمد سرانه: یکی از معیارهای موفقیت ترتیب تجاری منطقه‌ای را می‌توان همگون و نزدیک شدن شاخص‌های مختلف اقتصادی بین کشورهای عضو آن دانست. تجانس و همگونی در درآمد سرانه به‌منزله این است که همه اعضا به‌تناسب از منافع همگرایی منطقه‌ای برخوردار شده و منافع و عواید ناشی از آزادسازی اقتصادی در سطح منطقه‌ای به‌صورت عادلانه بین اعضا توزیع شده باشد. در این زمینه از تجانس درآمد سرانه اعضا به‌عنوان یکی از شاخص‌های همگونی اقتصادی بین اعضا یاد می‌شود (World Bank, 2000: 51).

یکی از موفق‌ترین نمونه‌های همگرایی اقتصادی منطقه‌ای در دنیا اتحادیه اروپاست که فرایند همگونی و همسان شدن شاخص‌های اقتصادی را بین اعضای آن می‌توان مشاهده کرد. در این زمینه، عضویت در اتحادیه اروپا برای ایرلند، پرتغال و اسپانیا باعث شد تا به ترتیب از ۶۱، ۴۹ و ۲۷ درصد درآمد سرانه کشورهای بزرگ این اتحادیه در اواسط دهه ۱۹۸۰ به ۹۱، ۶۷ و ۳۸ درصد در اواخر دهه ۱۹۹۰ افزایش یابد (Ibid.: 52). این مسئله به‌خوبی روند همسان شدن شاخص‌های اقتصادی را بین کشورهای عضو این اتحادیه نشان می‌دهد. تجربه دیگر کشورها به‌ویژه کشورهای در حال توسعه، در اغلب موارد خلاف موضوع فوق را ثابت می‌کند و همگرایی منطقه‌ای در بین این گروه از کشورها چندان موفقیت‌آمیز نبوده است. در واقع، اغلب موارد با تأسیس ترتیبات بین کشورهای در حال توسعه، اختلاف درآمد سرانه و سطح توسعه اقتصادی این کشورها بیش‌ازپیش تشدید شده است. مطالعات نشان داده است که همگرایی اقتصادی منطقه‌ای بین دو کشور توسعه‌یافته موجب همگونی درآمد سرانه آنها می‌شود و این فرایند در بین دو کشور فقیر با سطوح متفاوت توسعه‌یافتگی، موجب تشدید نابرابری و ناهمگونی موجود بین شاخص‌های مختلف اقتصادی آنها می‌شود. این مسئله، به‌دلیل غالب بودن اثر انحراف تجارت در برابر ایجاد تجارت در

ترتیبات منطقه‌ای بین کشورهای در حال توسعه با درجات توسعه یافتگی نامتوازن است (حسینی، ۱۳۹۰: ۱۰۵).

ب) درجه همگرایی تجاری: از دیگر معیارهای موفقیت و کارآمدی ترتیبات منطقه‌ای، درجه همگرایی تجاری بین اعضاست. این موضوع از طریق نسبت تجارت درون منطقه‌ای اعضا و دیگر مبادلات اقتصادی درون منطقه‌ای نظیر جریان سرمایه‌گذاری خارجی آنها ارزیابی می‌شود. نسبت‌های تجارت درون منطقه‌ای در بین ترتیبات منطقه‌ای موجود در دنیا با یکدیگر متفاوتند. مطالعات نشان می‌دهد نسبت تجارت درون منطقه‌ای بین اعضای ترتیبات منطقه‌ای با درآمد بالا به مراتب بیشتر از ترتیبات مشابه بین کشورهای با درآمد پایین است (World Bank, 2000: 62). در واقع، نسبت تجارت درون منطقه‌ای به ترتیب از ترتیبات تجاری با درآمد بالا به ترتیبات تجاری با درآمد پایین سیر نزولی را طی می‌کند. در این زمینه، برخی از نویسندگان به منظور شناسایی اثر انحراف و ایجاد تجارت در ترتیبات منطقه‌ای فرمولی را با عنوان «شدت تجارت» طرح کرده‌اند. شدت تجارت با اندازه‌گیری نسبت تجارت درون منطقه‌ای یک کشور به تجارت فرامنطقه‌ای آن یا سهم آن در تجارت غیرمنطقه‌ای تعیین می‌شود (Sheila, 2000: 113-115). این نسبت همچنین در مورد همه اعضای یک ترتیب منطقه‌ای به صورت دسته‌جمعی نیز قابل اندازه‌گیری است. فرمول درجه شدت تجارت را علاوه بر آنکه می‌توان در مورد کل تجارت یک منطقه به صورت عام به کار گرفت، برای شناخت دقیق‌تر آثار منطقه‌گرایی می‌توان آن را به صورت ریزتر در مورد بخش‌ها یا کالاهای خاص نیز محاسبه کرد.

اندازه‌گیری شدت تجارت نشان خواهد داد که آیا افزایش تجارت درون منطقه‌ای به قیمت کاهش تجارت یک منطقه با دنیا بوده یا افزایش تجارت به صورت هماهنگ و متوازن رخ داده است. اندازه‌گیری شدت تجارت، آهنگ رشد تجارت درون منطقه‌ای و تجارت فرامنطقه‌ای را به صورت پویا نشان می‌دهد و مشخص می‌کند که آیا در صورت

کاهش نیافتن حجم تجارت فرامنطقه‌ای، انحراف تجارت اتفاق افتاده است یا خیر؟ با فرض ثابت بودن تقاضای جهانی یا برابر بودن نوسان‌های آن در داخل و خارج منطقه و ثبات دیگر شرایط، افزایش شدت تجارت بر اثر افزایش تجارت درون منطقه‌ای و کاهش سهم منطقه در تجارت جهانی نشانه وقوع انحراف تجارت خواهد بود. در مقابل، ثابت بودن سهم منطقه در تجارت جهانی و افزایش شدت تجارت به دلیل افزایش تجارت درون منطقه‌ای، حاکی از اثر ایجاد تجارت در یک ترتیب منطقه‌ای است (Ibid.: 116).

شاخص شدت تجارت (صادرات) نسبت سهم شریک تجاری به کل تجارت (صادرات) منطقه / کشور و سهم کل تجارت (صادرات) جهانی همان شریک تجاری محاسبه می‌شود. در ادامه نحوه محاسبه شاخص شدت تجارت (صادرات) به شرح روابط زیر ارائه شده است (Asian Development Bank, 2022):

$$THI_{ij} = \frac{t_{ij} / T_{iw}}{t_{wj} / T_{ww}} \qquad XII_{ij} = \frac{x_{ij} / X_{iw}}{x_{wj} / X_{ww}}$$

THI_{ij} یا XII_{ij} = شاخص شدت تجارت (صادرات) کشور / منطقه i به کشور / منطقه j ؛ x_{ij} یا t_{ij} = ارزش دلاری کل تجارت (صادرات) کشور / منطقه i به کشور / منطقه j ؛ T_{iw} یا X_{iw} = ارزش دلاری کل تجارت (صادرات) کشور / منطقه i به کل جهان w ؛ t_{wj} یا x_{wj} = ارزش دلاری کل تجارت (صادرات) جهانی کشور / منطقه j و T_{ww} یا X_{ww} = ارزش دلاری کل تجارت (صادرات) جهانی. روند بلندمدت شاخص شدت تجارت برای کشور / منطقه اگر روبه‌بهبود گذارد، به معنای اهمیت روبه‌افزایش تجارت آن کشور / منطقه در تجارت جهانی (ایجاد تجارت) است و برعکس اگر روند بلندمدت این شاخص روبه‌افول / تنزل باشد، گویای کاهش اهمیت تجارت آن کشور / منطقه

در تجارت جهانی (انحراف تجارت) است. این شاخص برای جریان دوجانبه و منطقه‌ای تجارت به‌ویژه برای صادرات کالا کاربرد دارد.

داده‌های آماری بین‌المللی این مطالعه از نهادهای از جمله صندوق بین‌المللی پول و کنفرانس توسعه و تجارت ملل متحد (آنکتاد) جمع‌آوری، پردازش، تحلیل و ارزیابی شده است؛ منتهی اطلاعات آماری به‌روز ایران در چند سال اخیر به‌ویژه در وضعیت تشدید تحریم‌ها، مخدوش و ماهیت غیررسمی و پیش‌بینی شده دارد. بنابراین تحلیل‌ها مقاطع سالیانه به سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۹ بسنده شده است که البته برای هدف‌های این نوشتار کافی به‌نظر می‌رسد. به‌هرحال، داده‌های آماری سازمان همکاری‌های شانگهای تاحدامکان و تا سال ۲۰۱۹ به‌روز شده است. در واقع نظر به نتایج پژوهش داده‌های خام آمارهای بین‌المللی به شرح زیر گردآوری، تنظیم و دسته‌بندی شده است:

۱. داده‌های آماری اقتصاد کلان بین‌الملل و همچنین شاخص‌های همگونی درآمد سرانه اعضای سازمان از گزارش‌های سالیانه تجارت و سرمایه‌گذاری کنفرانس توسعه و تجارت ملل متحد (آنکتاد) گردآوری و اخذ شده است.
۲. داده‌های آماری سیر تحولات سیاست تجاری با تکیه بر تعرفه‌های گمرکی کشورهای عضو و ناظر سازمان همکاری‌های شانگهای از گزارش سالیانه آمارهای بین‌المللی کنفرانس توسعه و تجارت ملل متحد (آنکتاد) جمع‌آوری شده است.
۳. داده‌های آماری شرکای تجاری منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، همچنین همگرایی تجاری کشورهای عضو سازمان همکاری‌های شانگهای از گزارش سالیانه آمارهای بین‌المللی تجارت صندوق بین‌المللی پول جمع‌آوری و اخذ شده است.

۳. نتایج پژوهش

از پنج سرفصل نتایج پژوهش، چهار سرفصل همگونی و تجانس اقتصادی اعضا، همگرایی تجاری اعضا، شرکای تجاری طبیعی اعضا و سیاست تجاری کشورهای عضو روی متغیرهایی تمرکز دارد که بیشترین تأثیرپذیری را از عضویت در سازمان همکاری شانگهای دارند.^۱ بنابراین محور این مطالعه بر همگونی اقتصادی و همگرایی تجاری متمرکز است.

۳-۱. تجانس و همگونی در آمد سرانه کشورهای عضو سازمان همکاری‌های شانگهای

تولید ناخالص داخلی سرانه و تجانس و همگونی آن برای ۱۲ عضو دائم و ناظر سازمان طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹ در جدول ۲ ارائه شده است. مطابق اطلاعات جدول، در مقاطع سالیانه، بیشترین و کمترین تولید سرانه از آن روسیه و تاجیکستان بوده و این شکاف فاصله تا انتهای دوره همچنان تداوم داشته است. در این بین، در انتهای دوره، چین، قزاقستان، ایران و بلاروس در مراتب دوم تا پنجم قرار دارند و تاجیکستان، قرقیزستان و افغانستان درآمد سرانه پایینی دارند. البته طی دو دهه اخیر برخی اعضا با محوریت چین توانسته‌اند تولید سرانه را به‌طور چشمگیری افزایش دهند، اما طی دوره ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹، آهنگ رشد تولید سرانه ایران پایین بوده است. طی دوره، افزایش معناداری در همگونی و تجانس تولید سرانه اعضای سازمان مشاهده نمی‌شود، چراکه در زمینه همگونی و همسان شدن درآمد سرانه با محوریت متوسط سرانه تولید جهانی، چین، روسیه، قزاقستان، هند و مغولستان به‌طور چشمگیری

۱. مجموعه متغیرهای اقتصاد کلان از جمله تورم و رشد اقتصادی یا جذب سرمایه‌گذاری خارجی به‌طور غیرمستقیم و در شرایط اتحادیه کامل اقتصادی (که با تحرک عوامل و سیاست‌های اقتصادی واحد) متأثر می‌شوند. در واقع متغیرهای اقتصاد کلان در هر کشور متأثر از سیاست‌های پولی و مالی (داخلی) و سیاست تجاری آن کشور است. همچنین، عوامل متعدد ساختاری در کشورها مانند نهادها، شرایط سیاسی، ثبات محیط اقتصاد کلان، فضای کسب‌وکار و شوک‌ها و تکان‌های غیراقتصادی از جمله تحریم‌ها و نظایر آنها به‌شدت تأثیر گذارند که نمونه بارز آن برای اقتصاد ایران در دهه ۱۳۹۰ رخ داد و بیم آن می‌رود در دهه نخست ۱۴۰۰ تداوم یابد.

بهترین عملکرد را شاهد بوده‌اند، ولی تولید سرانه افغانستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ایران چندان بالا نبوده است. در این بین، تولید سرانه، به‌رغم رشد نسبی، فاصله و شکاف نسبتاً بالایی با متوسط تولید سرانه جهانی داشته است. بنابراین، امکان تأیید همگونی و تجانس درآمد سرانه در بین اعضای سازمان وجود ندارد. البته نسبت تولید سرانه یک‌یک اعضا به تولید سرانه جهانی طی دوره افزایش یافته است، ولی شکاف و فاصله تولید سرانه در ابتدا و انتهای دوره همچنان پابرجاست. در دوره بلندمدت از ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹، بالاترین شاخص عملکرد و رشد درآمد سرانه از آن چین، مغولستان، قزاقستان و روسیه با نرخ رشد ۱۰ و بالای ۱۰ درصد بوده است که توانسته‌اند به سطح متوسط درآمد جهانی ارتقا یابند. در مقابل، در بین اعضا، پایین‌ترین رشد توأم با نوسان‌های بالا از آن افغانستان، پاکستان، تاجیکستان، قرقیزستان و ایران بوده است که همچنان بالاترین شکاف و عدم‌تجانس را نسبت به متوسط درآمد جهانی و کشور شاخص سازمان - فدراسیون روسیه - دارند.

همگونی و تجانس درآمد سرانه در بین اعضای سازمان در مقیاس منطقه‌ای طی دوره به‌طور معناداری قابل مشاهده و مورد تأیید نیست، چراکه همگونی و همسان شدن درآمد سرانه با محوریت روسیه (عدد ۱۰۰)، در ابتدا (سال ۲۰۰۰) و انتهای دوره (۲۰۱۹) برای قزاقستان از ۶۸/۹ به ۸۲/۱ به نفع درآمد سرانه آن کشور بهبود یافته است که همگونی و تجانس درآمد سرانه در بین این دو کشور را تأیید می‌کند. اما در مقابل، فرایند همگونی و تجانس تولید سرانه با محوریت روسیه، برای ایران از ۹۳/۸ به ۶۱/۳، تاجیکستان از ۷/۸ به ۳۴/۴ و قرقیزستان از ۱۵/۶ به ۱۱/۳ به مراتب ناهمگون و نامتجانس‌تر شده است. همگونی و تجانس تولید سرانه در بین این سه کشور تأیید نمی‌شود. برای نمونه، دامنه درآمد سرانه بین روسیه و ایران در سال ۲۰۰۰ حداکثر ۱۷۷۴ دلار (روسیه) و حداقل ۱۶۶۴ دلار (ایران) به نسبت ۱۰۰ به

۹۴ بود که در سال ۲۰۱۹ این دامنه و شکاف عمیق‌تر شده است، چون تولید سرانه روسیه طی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹ با ۶/۶ برابر روبه‌فزونی گذاشته است، حال آنکه تولید سرانه در ایران طی دوره بلندمدت تنها ۴/۳ برابر افزایش یافته است و در نتیجه دامنه درآمد سرانه بین روسیه و ایران در سال ۲۰۱۹ حداکثر ۱۱۶۶۲ و ۷۱۴۶ دلار، به نسبت ۱۰۰ به ۶۱/۳ افزایش یافته است که نسبت به ابتدای دوره، این دامنه، فاصله و شکاف عمیق‌تر - ۳۲/۷ واحد درصد - شده است.

جدول ۲. تجانس و همگونی در درآمد سرانه اعضای سازمان همکاری شانگهای در دوره

بلندمدت ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹

شاخص عملکرد و نرخ رشد (%)	تجانس درآمد سرانه با جهان					تولید ناخالص داخلی سرانه (دلار PPP)					کشور	ردیف
	۲۰۱۹	۲۰۱۵	۲۰۱۰	۲۰۰۵	۲۰۰۰	۲۰۱۹	۲۰۱۵	۲۰۱۰	۲۰۰۵	۲۰۰۰		
(۱۲/۴۳) ۱۰۴۲/۳	۸۷/۳	۷۹/۷	۴۷/۳	۲۴/۲	۱۷/۵	۹۹۲۳	۸۱۰۷	۴۴۷۸	۱۷۵۵	۹۵۲	چین	۱
(۹/۸۷) ۶۵۷/۴	۱۰۲/۶	۸۸/۸	۱۱۲/۴	۷۳/۴	۳۲/۶	۱۱۶۶۲	۹۰۳۶	۱۰۶۵۲	۵۳۳۰	۱۷۷۴	روسیه	۲
(۱۰/۸۴) ۷۸۲/۹	۸۴/۲	۱۰۲/۶	۹۵/۸	۵۱/۰	۲۲/۵	۹۵۷۵	۱۰۴۳۶	۹۰۷۷	۳۶۹۷	۱۲۲۳	قزاقستان	۳
(۸/۱۰) ۴۷۴/۷	۱۱/۵۶	۱۱/۲	۹/۳	۶/۶	۵/۱	۱۳۱۵	۱۱۴۴	۸۷۷	۴۸۱	۲۷۷	قرقیزستان	۴
(۵/۴۰) ۲۸۶/۳	۳/۵	۱۰/۲	۷/۹	۴/۷	۲/۶	۳۹۸	۱۰۳۹	۷۴۴	۳۴۰	۱۳۹	تاجیکستان	۵
(۵/۶۷) ۳۰۱/۴	۱۴/۹	۲۱/۷	۱۵/۰	۷/۷	۱۰/۳	۱۶۹۱	۲۲۰۳	۱۴۲۵	۵۵۵	۵۶۱	ازبکستان	۶
(۸/۵۴) ۵۱۴/۷	۱۹/۷	۱۶/۶	۱۴/۳	۹/۹	۸/۰	۲۲۳۹	۱۶۹۳	۱۳۵۶	۷۱۷	۴۳۵	هند	۷
(۳/۸۹) ۲۱۴/۶	۱۰/۵	۱۳/۹	۱۰/۸	۱۰/۶	۱۰/۲	۱۱۹۳	۱۴۱۰	۱۰۲۶	۷۶۸	۵۵۶	پاکستان	۸
(۷/۵۶) ۴۲۹/۴	۶۲/۸	۵۴/۲	۶۶/۵	۴۳/۲	۳۰/۶	۷۱۴۶	۵۵۱۶	۶۳۰۰	۳۱۳۵	۱۶۶۴	ایران	۹
(۱۰/۷۲) ۷۶۶/۰	۳۷/۰	۴۰/۵	۲۸/۰	۱۶/۰	۱۰/۱	۴۲۱۳	۴۱۱۹	۲۶۵۰	۱۱۵۸	۵۵۰	مغولستان	۱۰
(۲/۱۰) ۱۵۱/۴۶	۴/۶	۱۱/۹	۸/۰	۵/۶	۶/۴	۵۲۴	۱۲۱۱	۷۵۵	۴۰۲	۳۴۶	افغانستان	۱۱
(۹/۶۲) ۶۲۷/۵	۵۷/۸	۵۵/۳	۶۱/۴	۴۳/۲	۱۹/۳	۶۵۷۰	۵۶۲۳	۵۸۱۸	۳۱۳۴	۱۰۴۷	بلاروس	۱۲
(۳/۷۶) ۲۰۹/۱۸	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۱۳۷۱	۱۰۱۷۳	۹۴۷۵	۷۲۵۱	۵۴۳۶	جهان	

Source: UNCTAD, Handbook of Statistics, 2015-2020.

۳-۲. ارزیابی شاخص‌های کلیدی اقتصادی بین‌المللی سازمان همکاری‌های شانگهای و کشورهای عضو آن

۱. اندازه اقتصاد ۱۲ کشور عضو سازمان ۲۰۱۱، ۲۰ تریلیون دلار معادل ۲۲/۹ درصد اقتصاد جهانی در سال ۲۰۱۹ است. چین با اندازه اقتصاد ۱۴,۲ تریلیون دلار (۷۰/۶ درصد از اندازه اقتصاد این سازمان) جایگاه کاملاً مسلط را دارد. هند، روسیه، ایران، پاکستان و قزاقستان به ترتیب با سهم ۱۵/۲، ۸/۵، ۲/۶، ۱/۳ و ۰/۹ درصد از اندازه اقتصاد سازمان، در مراتب دوم تا ششم قرار دارند. این ۶ کشور جمعاً ۹۹/۱ درصد از اندازه اقتصاد این سازمان را از آن خود دارند. بقیه سهم اندازه اقتصاد سازمان با کمتر از ۱ درصد به ۶ عضو کوچک سازمان تعلق دارد. در سال ۲۰۱۹، بالاترین و پایین‌ترین درآمد سرانه با ۱۱۶۶۲ دلار از آن روسیه و ۳۹۸ دلار از آن تاجیکستان بوده است. از لحاظ درآمد سرانه، چین، قزاقستان، ایران و بلاروس در مراتب دوم تا پنجم قرار دارند. در این سال، بالاترین رشد با ۷/۵ درصد از آن تاجیکستان بوده، حال آنکه کمترین رشد اقتصادی (۰/۸- درصد) به ایران تعلق داشته است.

۲. صادرات و واردات کالای اعضا در سال ۲۰۱۹ به ترتیب ۳,۴۵ و ۳,۰۳ تریلیون دلار بود که ۱۸/۳ و ۱۵/۷ درصد از صادرات و واردات کالای جهان بود. تراز تجارت کالای سازمان با رقم چشمگیر ۱۵۷,۱ میلیارد دلار مثبت بود که از تراز تجاری مثبت چین و روسیه نتیجه می‌شد. بین اعضای سازمان، چین با ۲,۵ و ۲,۱ تریلیون دلار صادرات و واردات، به ترتیب ۷۲/۵ و ۶۸/۶ درصد از صادرات و واردات این سازمان را داشته است. هند، روسیه، ایران، قزاقستان و بلاروس به ترتیب در صادرات و واردات کالا در مراتب دوم تا ششم بوده‌اند. تراز تجارت کالای چین، روسیه، ایران و قزاقستان با ارقام قابل‌ملاحظه مثبت (مازاد تراز تجارت کالایی)، در

مقابل تراز تجارت کالای منفی هند، بلاروس، قرقیزستان و افغانستان (کسری تراز تجارت کالایی) قرار دارد. کمابیش این تحلیل برای تجارت (صادرات و واردات)، خدمات و تراز حساب جاری اعضا نیز موضوعیت دارد.

۳. رابطه مبادله قیمتی (به سال پایه ۲۰۱۵=۱۰۰) تجارت کالایی کشورهای عضو سازمان در سال ۲۰۱۹ بالاتر از ۱۰۰ بود و در این بین بالاترین رابطه مبادله ۱۲۶ و از آن مغولستان و پایین‌ترین رابطه مبادله ۹۳ و از آن چین بوده است. رابطه مبادله قیمتی تجارت کالایی ایران، قزاقستان، قرقیزستان و روسیه با بیش از ۱۱۰، در مراتب بعدی واقع است.

۴. در سال ۲۰۱۹، جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به این سازمان ۲۳۶٫۸ میلیارد دلار بود که ۱۵/۴ درصد از جریان ورودی آن در جهان بوده است. چین با ۱۴۱٫۲ میلیارد دلار جریان ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و ۵۹/۶ درصد جریان ورودی سازمان، رتبه نخست را داشته است. پنج کشور هند، روسیه، قزاقستان، پاکستان و ایران به ترتیب با ۲۱/۴، ۱۳/۴، ۱/۳، ۰/۹، ۰/۶ درصد در مراتب دوم تا ششم جریان ورودی سازمان قرار داشته‌اند.

۵. از شاخص‌های مهم اقتصاد کلان که معیار مهمی در مورد ثبات محیط اقتصاد کلان محسوب می‌شود، نرخ تورم است. در شرایطی که ۱۰ کشور عضو سازمان، تورم کمتر از ۱۰ درصد را در سال ۲۰۱۹ تجربه کرده‌اند، ایران با تورم ۳۹/۹ درصد بالاترین نرخ تورم را نه تنها در منطقه، بلکه حتی در جهان داشته است.

۶. تجارت خدمات در مقایسه با تجارت کالا در سازمان سهم پایین‌تری از تجارت جهانی دارد. در حالی که این سازمان در تجارت کالایی با تراز تجاری کالایی کاملاً مثبت (مازاد تراز تجارت کالایی) مواجه بوده، در تجارت خدمات با تراز تجارت خدمات کاملاً منفی (کسری تراز تجارت خدمات) مواجه بوده است.

درواقع، اعضای سازمان با محوریت چین، اقتصادهای تولید صنعتی صادرات محور هستند تا اقتصادهای خدمات محور.

۷. از ارزیابی شاخص‌های کلیدی اقتصادی سازمان نتیجه می‌شود که بازیگر نخست، چین است. از جنبه اندازه اقتصاد، تجارت و سرمایه‌گذاری هند، روسیه، ایران، پاکستان، قزاقستان و بلاروس در مراتب دوم تا ششم قرار دارند و پنج کشور افغانستان، قرقیزستان، تاجیکستان، مغولستان و ازبکستان در مراتب آخر قرار دارند. در این بین، رشد اقتصادی، جریان سرمایه‌گذاری خارجی و نرخ تورم ایران در مقایسه با دیگر اعضای سازمان نامناسب ارزیابی می‌شود.

جدول ۳. شاخص‌های کلیدی اقتصادی-تجاری بین‌المللی اعضای سازمان همکاری

شانگهای در سال ۲۰۱۹

شرح	تجارت کالایی		تجارت خدمات		حساب جاری	اندازه اقتصاد			جریان FDI		تورم	جمعیت
	صادرات	واردات	رابطه مبادله	صادرات		واردات	GDP	رشد	خروجی	ورودی		
	\$B	\$B	۱۰۰=۲۰۱۵	\$B		\$B	\$B	درصد	\$M	\$M		
۱. چین	۲۴۹۹/۵	۲۰۷۸/۴	۹۳	۲۸۲/۲	۵۰۰/۷	۱۴۱/۳	۹۹۲۳	۶/۱	۱۱۷۱۲۰	۱۴۱۲۲۵	۲/۹	۱۴۲۳/۸
۲. روسیه	۴۱۹/۹	۲۵۴/۶	۱۰۹	۶۲/۷	۹۸/۸	۶۵/۳	۱۱۶۶۲	+۱/۳	۲۲۵۲۰	۳۱۷۳۵	۴/۵	۱۴۵/۸۷
۳. قزاقستان	۵۷/۳	۳۷/۶	۱۱۵	۷/۸	۱۱/۴	-۶/۵	۹۵۷۵	+۴/۵	-۲۵۹۲	۳۱۱۸	۵/۲	۱۸/۵۵
۴. قرقیزستان	۲/۰	۴/۹	۱۱۱	۱/۲	۱/۰	-۰/۹	۱۳۱۵	+۴/۵	۳	۲۰۹	۱/۱	۶/۴۲
۵. تاجیکستان	۱/۲۵	۳/۳۵	۱۱۰	۰/۲۴	۰/۴۹	-۰/۱۹	۳۹۸	۷/۵	۲۳	۲۱۳	۷/۸	۹/۳
۶. ازبکستان	۱۴/۰	۲۱/۹	۱۰۶	۳/۱	۵/۴	-۰/۱۹	۱۶۹۱	۵/۶	۳	۲۲۸۶	۱۴/۵	۳۳/۰
۷. هند	۳۲۴/۳	۴۸۶/۱	۹۶	۲۱۴/۴	۱۷۹/۲	-۲۹/۸	۳۰۵۹/۴	+۵/۳	۱۲۱۰۴	۵۰۵۵۳	۷/۷	۱۳۶۶/۴
۸. پاکستان	۲۳/۳	۵۰/۳	۱۰۹	۵/۴	۹/۳	-۷/۱	۱۱۹۳	+۱/۹	-۷	۲۲۱۸	۱۰/۶	۲۱۶/۶
۹. ایران	۶۵/۷	۴۱/۸	۱۱۵	-	-	-	۷۱۴۶	-۸/۰	۸۵	۱۵۰۸	۳۹/۹	۸۲/۹
۱۰. مغولستان	۷/۶	۶/۱	۱۲۶	۱/۴	۳/۰	-۲/۲	۴۲۱۳	+۴/۹	۱۲۷	۲۴۴۳	۷/۳	۳/۲

شرح	تجارت کالایی		تجارت خدمات		حساب جاری	اندازه اقتصاد			جریان FDI		تورم	جمعیت	
	صادرات	واردات	رابطه مبادله	صادرات		واردات	GDP سرانه	رشد	خروجی	ورودی			
	\$B	\$B	۱۰۰=۲۰۱۵	\$B	\$B	\$B	درصد	\$M	\$M	درصد	میلیون نفر		
۱۱. افغانستان	۰/۹۸	۷/۳	۱۰۸	۰/۷	۱/۳	-۳/۸	۱۹/۹	۵۲۴	+۲/۴	۲۶	۳۹	۲/۳	۳۸/۰
۱۲. بلاروس	۳۳/۰	۳۹/۵	۱۰۱	۹/۶	۵/۸	+۱/۲	۶۲/۱	۶۵۷۰	+۱/۲	-۷	۱۲۹۰	۵/۶	۹/۴۵
جمع اعضا	۳۴۴۸/۸	۳۰۳۱/۹	-	۵۸۹/۷	۸۱۶/۴	۱۵۷/۱	۲۰۱۱۶/۸	-	-	-	۲۴۶۸۳۷	-	۳۳۶۳/۴۹
سهم از جهان (%)	۱۸/۳	۱۵/۷	-	۹/۶	۱۴/۰	۳۵/۵	۲۲/۹	-	-	-	۱۵/۴	-	۴۳/۶۱
جهان	۱۸۸۳۳/۰	۱۹۲۶۳/۲	۱۰۱	۶۱۴۴/۰	۵۸۲۶/۳	+۴۴۲/۸	۸۷۷۱۰/۲۱	۱۱۳۷۱	+۲/۶	۱۳۱۳۷۰۰	۱۵۳۹۹۰۰	۳/۱	۷۷۱۳/۵

Source: Ibid., 2021: 86-97.

۳-۳. تحلیل شرکای طبیعی تجارت کالایی (صادرات و واردات) جهانی و درون منطقه‌ای سازمان

با بررسی شرکای تجاری (صادرات و واردات) نخست جهانی و شرکای منطقه‌ای اعضا در سال ۲۰۲۰ نتیجه می‌شود که:

۱۲.۱ کشور عضو سازمان از منظر شرکای تجاری طبیعی جهانی و منطقه‌ای به سه گروه قابل دسته‌بندی هستند:

- پنج کشور با شرکای تجاری طبیعی منطقه‌ای: دست کم نزدیک به ۴۰٪ تجارت با پنج کشور اعضای سازمان است. مغولستان با ۹۰٪ صادرات و ۶۳٪ واردات، بلاروس با ۵۲٪ صادرات و ۷۰٪ واردات، افغانستان با ۸۸٪ صادرات و ۷۱٪ واردات، قزاقستان با ۴۱٪ صادرات و ۵۷٪ واردات، قرقیزستان با ۳۹٪ صادرات و ۷۶٪ واردات با اعضای سازمان تجارت دارند. این کشورها با اندازه اقتصاد و تجارت کوچک‌تر، بیشترین محصولات را به این سازمان صادر و وارد می‌کنند.
- کشورهای با شرکای تجاری طبیعی فرامنطقه‌ای: هرچه اندازه اقتصاد و تجارت کشور بزرگ‌تر باشد، شرکای تجاری فرامنطقه‌ای اهمیت بیشتری

می‌یابد. چین تنها با اعضای سازمان ۶٪ صادرات و ۵٪ واردات؛ هند ۹٪ صادرات و ۱۸٪ واردات؛ پاکستان ۱۳٪ صادرات و ۳۱٪ واردات و روسیه ۳۱٪ صادرات و ۳۴٪ واردات دارند. این کشورها به‌ویژه چین با اندازه تجارت کالایی بالا، بخش اعظم تجارت با شرکای فرامنطقه‌ای را انجام می‌دهند.

- تجارت کالایی با صادرات و واردات نامتقارن: تعدادی از اعضا با وجود آنکه قسمت مهمی از واردات خود را از اعضا تأمین می‌کنند، اما بخش مهمی از محصولات خود را به خارج از منطقه صادر می‌کنند. برای نمونه، ازبکستان ۵۷٪ از واردات خود را از اعضا تأمین می‌کند، اما فقط به اعضا ۲۷٪ صادرات داشته است.

۲. در بین اعضا، چین بازار نخست صادرات و واردات را از آن خود کرده است و بیش از نیمی از اعضا از جمله روسیه، ازبکستان، هند، پاکستان، ایران و مغولستان است. از این جنبه، روسیه، هند، قزاقستان، بلاروس و ایران در مراتب دوم تا ششم قرار دارند. در این بین، قزاقستان و بلاروس از توسعه تجارت دوجانبه متوازن برخوردار بوده‌اند و شریک تجاری طبیعی متقابل درون منطقه‌ای یکدیگر هستند. آمریکا، آلمان، ژاپن، کره جنوبی و ترکیه شرکای فرامنطقه‌ای بسیاری از اعضا هستند.

۳. برخی از کشورها قسمت قابل‌ملاحظه واردات خود را از اعضای سازمان تأمین و قسمت مهمی از صادرات خود را به این کشورها روانه می‌کنند. بلاروس، قزاقستان، تاجیکستان و قرقیزستان بخش مهمی از صادرات خود را به بازار این سازمان روانه می‌کنند و در مقابل، چین، ایران، هند و روسیه صادرات کمتری را به این سازمان عرضه کرده‌اند. بلاروس، قزاقستان و قرقیزستان بخش مهمی از واردات خود را از بازار این سازمان تأمین می‌کنند و در مقابل، ایران و روسیه کمترین واردات نسبی را از این سازمان دارند. اقتصادهای کوچک و متوسط سازمان شامل تاجیکستان و قرقیزستان قسمت مهمی از تجارت خود را با این

سازمان انجام می‌دهند. البته تجارت درون منطقه‌ای دوجانبه سازمان حداکثر کمتر از ۱۰٪ است و پایین ارزیابی می‌شود.

۴. در این بین، برخی کشورها شرکای تجاری طبیعی متقابل منطقه‌ای هستند. روسیه، قزاقستان و بلاروس شرکای تجاری صادراتی نخست اعضا هستند. این کشورها برای یکایک اعضا یکی از چهار شریک نخست صادراتی هستند. روسیه، قزاقستان و بلاروس به‌طور متقابل بخش مهمی از صادرات و واردات خود را با این کشورها مبادله کرده‌اند. در این بین، چین، ایران، هند و پاکستان شرکای تجاری صادراتی و وارداتی نامتقارن هستند.

۵. نظر به ناهمگونی نسبی اندازه صادرات و واردات اعضای سازمان، امکان توسعه تجارت درون منطقه‌ای بالا هم‌پای اقتصادهای بزرگ با درآمد سرانه بالا میسر نیست، مگر آنکه در بلندمدت کشورهای با درآمد پایین نظیر تاجیکستان، قرقیزستان، افغانستان و مغولستان در مسیر رشد بالا قرار گیرند و اندازه اقتصاد و درآمد سرانه آنها تا چند برابر اندازه فعلی افزایش یابد و متعاقباً تجارت آنها گسترش یابد و متنوع‌تر شود. تاکنون توسعه تجارت درون منطقه‌ای به‌ویژه برای اعضای با توسعه تجارت درون منطقه‌ای بالا متأثر از اقدام‌های اصلاحی ناشی از سیاست تجارت منطقه‌ای نبوده است، بلکه این کشورها شرکای تجاری طبیعی درون منطقه‌ای از قبل از شکل‌گیری سازمان به‌شمار می‌آیند.

۳-۴. سیاست تجاری با محوریت تعرفه‌های گمرکی واردات برای اعضای سازمان

مطابق اطلاعات آماری میانگین ساده / وزنی نرخ‌های تعرفه کامله‌الوداد و کاربردی یا جاری واردات ۱۲ کشور عضو سازمان طی مقاطع ۲۰۰۵، ۲۰۱۰ و ۲۰۱۵ از گزارش سالیانه کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد (آنکتاد)، می‌توان نتیجه گرفت:

۱. کامل‌ترین اطلاعات تعرفه گمرکی برای تمامی کشورهای عضو سازمان همکاری

- شانگهای به‌ویژه بازیگران کلیدی چین و روسیه درج شده است. در این بین، اطلاعات آمار تعرفه گمرکی ایران ناقص، نامعتبر، پراکنده و غیر روزآمد است.
۲. در ابتدای دوره، تعرفه واردات برای ۱۲ عضو سازمان نشان می‌دهد که پایین‌ترین تعرفه‌ها به قزاقستان، قرقیزستان و مغولستان با تعرفه سراسری کمتر از ۵٪ تعلق دارد، حال آنکه بالاترین تعرفه‌های واردات از آن ایران (۴۱/۸٪)، هند (۳۲/۶٪) و پاکستان (۲۴/۷٪) بوده است. طی دوره مورد مطالعه، اصلاحات اساسی کاهشی برای برخی اعضای کلیدی سازمان با تعرفه بالا رخ داده است، به‌طوری‌که طی دوره، تعرفه‌های واردات اعضا شامل هند از ۳۲/۶ به ۸/۸ درصد، پاکستان از ۲۴/۷ به ۱۲/۶ درصد، چین از ۱۵/۸ به ۸/۷ درصد، ایران از ۴۱/۸ به ۲۷/۲ درصد، بلاروس از ۱۰ به ۶/۹ درصد و روسیه از ۱۰/۶ به ۶/۹ درصد کاهش یافته است.
۳. در انتهای دوره، سطح تعرفه گمرکی ۹ کشور از ۱۲ عضو به کمتر از ۱۰ درصد رسیده است و در ایران، پاکستان و ازبکستان، تعرفه گمرکی بالاتر از ۱۰ درصد بوده است. ایران با سطح تعرفه ۲۷/۲ درصد بالاترین سطح تعرفه را برای واردات در بین اعضا دارد، حال آنکه ۹ کشور از ۱۲ کشور سطح تعرفه کمتر از ۱۰ درصد را برای واردات وضع کرده‌اند.
۴. میانگین ساده تعرفه‌ها نشانگر میانگین نرخ تعرفه مصوب در جداول مقررات گمرکی کشورهاست (نرخ تعرفه که در کتاب مقررات گمرکی کشورها مشاهده می‌شود)، اما میانگین وزنی تعرفه گویای آن است که با نرخ تعرفه وضع شده، چه میزان واردات در عمل انجام شده است (نرخ تعرفه مؤثر). بالاترین شکاف برای این دو میانگین ساده و وزنی تعرفه‌ها از آن ایران و پایین‌ترین شکاف از آن روسیه بوده است. شکاف و فاصله بین میانگین ساده و وزنی ریشه در مداخلات

پردامنه و وسیع دولت در تجارت از جمله کنترل‌های قیمتی، پرداخت یارانه‌ها، حمایت‌ها، انحراف‌ها، قیمت‌گذاری دستوری و شکاف نرخ ارز ریشه دارد.

۵. در بین اعضا، به جز ایران همگونی و تجانس در میانگین ساده و وزنی تعرفه برای انواع محصولات و تولیدات صنعتی مشاهده می‌شود. در دوره مورد مطالعه، روند میانگین ساده به‌ویژه وزنی، تعرفه گمرکی برای تمامی محصولات و تولیدات صنعتی با آهنگ و شیبی ملایم برای اعضا روبه‌کاهش بوده است. در مورد دامنه میانگین ساده و وزنی تعرفه برای انواع محصولات و تولیدات صنعتی اعضا هماهنگی و همگونی مشاهده می‌شود. در واقع، برای اعضا دامنه تعرفه گمرکی در انواع محصولات با پراکنش بالایی مواجه نبوده، این در حالی است که دامنه تعرفه گمرکی برای انواع محصولات صنعتی در ایران ناهمگون است. تعدادی از کشورها، پیش از عضویت در سازمان، در چارچوب جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع^۱ از سیاست تجاری هماهنگ و مشترک برخوردار بوده‌اند، به طوری که در انتهای دوره مورد مطالعه به یک سیاست تجاری واحد و مشترک دست یافته‌اند.

۶. سیاست تجاری ایران صرفاً به تعرفه‌های گمرکی محدود نمی‌شود. در شرایط خاص بین‌المللی اقتصاد ایران با محوریت تحریم‌های پردامنه، انواع موانع تجاری غیرتعرفه‌ای و مداخلات و کنترل‌ها در قالب ممنوعیت‌ها، مجوزها و محدودیت‌ها بر سیاست تجاری سلطه دارد و سیاست تجاری ایران از شفافیت، پیش‌آگاهی و پیش‌بینی‌پذیری فاصله دارد.

۷. نظر به اینکه اندازه اقتصاد، تجارت (صادرات و واردات) کالا و خدمات و جریان ورودی و خروجی سرمایه‌گذاری خارجی نیمی از اعضای سازمان به‌ویژه چهار

1. Commonwealth of Independent States (CIS)

کشور تاجیکستان، قرقیزستان، مغولستان و افغانستان بسیار پایین است، در ادامه این چهار کشور از پژوهش حذف و کارآمدی و همگرایی تجارت هشت کشور منتخب مورد مطالعه و ارزیابی قرار می‌گیرد.

۳-۵. ارزیابی کارآمدی و همگرایی تجارت در سازمان همکاری شانگهای

جدول ۴ جریان تجارت (صادرات و واردات) دوجانبه و جهانی اعضای سازمان را در مقاطع سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۰ نشان می‌دهد. ارزیابی نتایج محاسبات کارآمدی تجارت برای سازمان و بازیگران کلیدی گویای آن است که:

۱. صادرات و واردات جهانی سازمان به ترتیب از ۲/۳۶ و ۲/۱۳ تریلیون دلار در سال ۲۰۱۰ به ۳/۳۳ و ۲/۷۹ تریلیون دلار در سال ۲۰۲۰ رسیده و با شاخص عملکرد ۱۴۱/۱ و ۱۳۱/۰ و نرخ رشد سالیانه ۳/۵ و ۲/۷ درصد طی این مدت مواجه بوده است. این در حالی است که صادرات و واردات درون منطقه‌ای سازمان به ترتیب از ۱۸۸/۵ و ۲۳۵/۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ به ۳۰۳/۶ و ۳۳۰/۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۰ رسیده و با شاخص عملکرد ۱۶۱/۱ و ۱۴۰/۱ و نرخ رشد سالیانه ۴/۹ و ۳/۴ درصد طی این مدت روبه‌افزایش گذاشته است. سهم صادرات و واردات درون منطقه‌ای از صادرات و واردات جهانی سازمان از ۸/۰ و ۱۱/۱ درصد در سال ۲۰۱۰ به ۹/۱ و ۱۱/۸ درصد در سال ۲۰۲۰ روبه‌بهبود گذاشته است. ملاحظه می‌شود که در دهه اخیر، رشد تجارت (صادرات و واردات) درون منطقه‌ای به مراتب از رشد تجارت (صادرات و واردات) جهانی آن سازمان، بیشتر بوده است. همچنین، ارزش و آهنگ رشد صادرات درون منطقه‌ای سازمان از ارزش و آهنگ رشد واردات آن پایین‌تر بوده است. آهنگ رشد تقاضا برای واردات درون منطقه‌ای از آهنگ رشد تولید برای صادرات درون منطقه‌ای پرشتاب‌تر بوده است.

۲. هم‌اکنون پرسش این است که آهنگ رشد تجارت (صادرات و واردات) درون منطقه‌ای این سازمان هماهنگ و همسو با توسعه تجارت جهانی اعضا (ایجاد تجارت) اتفاق افتاده است یا نه (انحراف تجارت)؟ در پاسخ باید اذعان داشت که در یک دهه اخیر آهنگ رشد تجارت (صادرات و واردات) درون منطقه‌ای این سازمان بیشتر از آهنگ رشد و توسعه تجارت جهانی آن سازمان بوده است. شاخص شدت صادرات و واردات این سازمان به ترتیب از ۰/۵۱ و ۰/۷۹ در سال ۲۰۱۰ به ۰/۵۶ و ۰/۷۴ در سال ۲۰۲۰ تغییر کرده است. این تغییر شاخص گویای آن است که اولاً میزان تجارت (صادرات و واردات) درون منطقه‌ای این سازمان در یک دهه گذشته، حداکثر کمتر از ۱۰ درصد بوده است و علت عمده آن حضور بازیگران کلیدی در سازمان از جمله چین و هند است که بخش اعظم تجارت (صادرات و واردات) آنها با خارج از این سازمان انجام می‌شود؛ ثانیاً، تجارت (صادرات و واردات) درون منطقه‌ای تأثیر معناداری در توسعه تجارت (صادرات و واردات) جهانی نداشته است.

۳. پرسش دیگر اینکه چه اعضای، شاهد بیشترین توسعه تجارت و منافع تجاری (ایجاد تجارت) بوده‌اند و در مقابل چه اعضای با انحراف تجارت روبه بوده‌اند؟ در پاسخ، اعضای سازمان را در سه گروه می‌توان دسته‌بندی کرد:

- گروه کشورهای پیشرو / پیشگام در توسعه تجارت: گروه کشورها با محوریت چین و هند توانسته‌اند توسعه تجارت درون منطقه‌ای را هماهنگ و همسو با توسعه تجارت جهانی پیش ببرند، چراکه سهم صادرات جهانی چین از ۴/۳ درصد در سال ۲۰۰۱ به ۱۰/۵ و ۱۵ درصد در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۲۰ رسیده و ۲/۴۴ و ۳/۴۹ برابر شده است، در حالی که صادرات درون منطقه‌ای چین از ۲/۵ درصد در سال ۲۰۰۱ به ۶/۲ و ۶/۳ درصد در دو سال ۲۰۱۰ و ۲۰۲۰ رسیده و ۲/۵ برابر شده است. همچنین،

سهم صادرات جهانی هند از ۰/۷ درصد در سال ۲۰۰۱ به ۱/۲ و ۱/۶ درصد در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۲۰ رسیده و ۱/۷ و ۲/۳ برابر شده است، در حالی که صادرات درون منطقه‌ای هند از ۵/۲ درصد در سال ۲۰۰۱ به ۴/۷ و ۲۰/۳ درصد در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۲۰ رسیده و ۰/۹ و ۳/۹ برابر شده است. بنابراین، آهنگ رشد صادرات درون منطقه‌ای چین و هند هماهنگ و همسو با آهنگ رشد صادرات جهانی بوده است. توسعه صادرات جهانی آن دو اساساً مرهون توسعه صادرات فرامنطقه‌ای آن با جهان، اروپا و آمریکا بوده است.

- گروه کشورهای توسعه‌نیافته در تجارت: منظور از گروه کشورهای توسعه‌نیافته؛ کشورهایی است که هم در توسعه تجارت درون منطقه‌ای و هم در توسعه تجارت جهانی، توفیقی به‌دست نیاورده‌اند. ایران نمونه و مصداق بارز این گروه است، چراکه سهم صادرات جهانی ایران از ۰/۳۹ درصد در سال ۲۰۰۱ به ۰/۶۷ و ۰/۱۶۵ درصد در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۹ رسیده و پرنوسان و روبه‌افول بوده است، در حالی که صادرات درون منطقه‌ای ایران از ۱۳/۱ درصد در سال ۲۰۰۱ به ۳۰/۲ و ۵۸/۵ درصد در دو سال ۲۰۱۰ و ۲۰۱۹ رسیده است. بنابراین، آهنگ رشد صادرات درون منطقه‌ای ایران، نه تنها هماهنگ و همسو با آهنگ رشد و توسعه صادرات جهانی نبوده است، بلکه توسعه تجارت بین‌الملل ایران روبه‌افول است. در واقع، هم‌اینک که مسئله عقب‌ماندگی توسعه تجارت ایران آشکار است، باید تدابیر بنیادینی برای این عقب‌ماندگی اندیشیده شود.

- گروه کشورهای با توسعه تجارت درون‌زای منطقه‌ای (متوازن و متقارن): این گروه کشورهایی هستند که توسعه تجارت درون منطقه‌ای با توسعه تجارت جهانی آنها متوازن و هم‌افزا بوده است. کشورهای مستقل مشترک‌المنافع

عضو سازمان، با محوریت قزاقستان و بلاروس در این گروه قرار دارند، چراکه اولاً بخش مهمی از تجارت آنها با کشورهای منطقه عضو سازمان صورت می‌گیرد و ثانیاً توسعه تجارت جهانی آنها با شیب ملایم روبه‌بهبود است.



جدول ۴. جایگاه ایران و سازمان همکاری شانگهای در تجارت جهانی و روند تجارت آنها

فراقستان	پاکستان	ایران	هند	روسیه	چین	شرح (افقی: صادرات، عمودی: واردات)	
						۲۰۰۱	۲۰۱۰
(۳۳)۲۲۷.۷ (۳۳)۹۳۲۰.۴ (۳۸)۸۴۲۷.۴ (۳۴)۱۲۸۰۷۰ (۳۶)۱۱۷۰۷.۲	(۳۳)۸۱۵۰ (۳۶)۶۹۴۷.۸ (۲۶)۱۶۴۸۱.۲ (۳۰)۱۶۱۸۲.۵ (۳۰)۱۵۳۶۶.۷	(۳۰)۸۸۸.۶ (۳۲)۱۱۰۹۲.۲ (۳۸)۱۷۸۳۱.۲ (۳۷)۹۶۰۸.۷ (۴۲)۸۵۱۰.۱	(۱۸)۱۸۹۵.۸ (۷)۴۰۹۱۴.۰ (۷)۵۸۲۶۲.۰ (۷)۷۴۹۲۴.۳ (۹)۶۶۷۲۷.۰	(۱۲)۲۷۱۰.۵ (۹)۲۹۶۱۲.۱ (۱۵)۳۴۸۰۹.۹ (۱۳)۴۹۸۴۵ (۱۴)۵۰۵۸۴.۵	-	۲۰۰۱	۲۰۱۰
						۲۰۱۵	۲۰۱۹
						۲۰۲۰	
						چین (۱)	
						(۱۴)۲۷۷۸.۰ (۱۰)۱۰۶۹۰.۴ (۸)۱۰۴۵۱.۱ (۷)۱۴۰۵۰۸ (۷)۱۴۰۵۱.۵	(۵۹)۵۷۷.۳ (۸۲)۱۰۴.۳ (۹)۱۹۵.۷ (۶۴)۱۶۸.۷ (۶۶)۴۹۶.۹
(۷۴)۵۴.۵ (۸۴)۱۴۶.۲ (۱۰۶)۶۶.۶ (۱۰۰)۱۹۳.۷ (۹۶)۲۲۵.۷	(۳۳)۱۴۶.۶ (۳۷)۲۲۳۵.۸ (۴۰)۱۹۶۱.۶ (۴۹)۱۸۶.۲ (۸۸)۲۸۲.۴	(۱۸)۳۵۳.۳ (۳۱)۲۵۰۹.۳ (۳۰)۳۱۲۴.۱ (۳۰)۳۸۵۵.۰ (۳۳)۲۲۴۳.۷	- - - - -	(۳۸)۳۳۹.۶ (۳۵)۱۳۹۳.۲ (۳۵)۱۶۱۰.۹ (۳۱)۲۸۷۱.۲ (۳۱)۲۵۵۹.۲	(۳)۹۲۳.۵ (۳)۱۷۴۴۰.۰ (۴)۹۵۳۹.۵ (۲)۵۴۴۸۸.۲ (۲)۴۹۲۳۰.۶	۲۰۰۱ ۲۰۱۰ ۲۰۱۵ ۲۰۱۹ ۲۰۲۰	
(۴۰)۱۱.۰ (۵۰)۲۶.۴ (۳۷)۶۹.۸ (۳۸)۸۰.۷ (۳۰)۱۰۷.۹	(۱۱)۳۰۱.۷ (۱۱)۸۸۳.۶ (۳۰)۲۶۰.۹ (۲۴)۵۳۲.۶ (۲۸)۳۷۱.۸	- - - - -	(۳)۲۶۶.۹ (۸)۱۰۷۸.۳ (۲۰)۶۲۷۹.۷ (۳۲)۳۳۷۵.۴ (۷۸)۲۹۷.۱	(۶۹)۳۴.۵ (۶۳)۲۷۱.۶ (۶۱)۲۴۰.۰ (۶۱)۳۹۱.۴ (۷۰)۷۹۶.۸	(۲۲)۲۴۲۴.۰ (۱۷)۱۸۳۰۰.۹ (۲۴)۱۶۰۳۴.۶ (۳۳)۱۳۴۰۱.۶ (۴۷)۶۴۰۱.۹	۲۰۰۱ ۲۰۱۰ ۲۰۱۵ ۲۰۱۹ ۲۰۲۰	(۴) ایران (نظر به عدم گزارش ایران، صادرات ایران از شرکای تجاری به دست آمده است)
(۷۳)۰۱۰۰ (۱۵)۵۹ (۷۲)۱۲.۸ (۴۷)۸۳.۵ (۴۷)۵۹.۱	- - - - -	(۲۶)۸۲.۱ (۳۰)۱۸۲.۲ (۶۱)۳۲.۳ - -	(۲۵)۸۳.۵ (۱۵)۲۷۵.۰ (۱۴)۳۱۲.۳ - -	(۵۶)۱۶.۸ (۲۷)۱۴۴.۳ (۳۸)۱۶۰.۹ (۳۸)۱۴۰.۶ (۲۸)۱۴۴.۵	(۱۳)۲۵۹.۶ (۳)۱۴۳۵.۹ (۲)۱۹۲۴.۹ (۲)۴۰۴۲.۳ (۲)۴۱۴۱.۸	۲۰۰۳ ۲۰۱۰ ۲۰۱۵ ۲۰۱۹ ۲۰۲۰	(۵) پاکستان
- - - -	(۵۸)۱۶.۰ (۶۷)۱.۵ (۷۴)۱.۹ (۵۲)۱۶.۱	(۲۲)۱۰۹۲.۰ (۱۶)۵۶۵.۸ (۲۸)۴۹۹.۵ (۳۲)۱۴۹.۰	(۳۳)۱۱۷.۰ (۱۹)۲۲۰.۱ (۹)۱۵۷۲.۷ (۷)۱۹۹۲.۰	(۴)۲۷۰۳.۰ (۳)۴۳۳.۰ (۳)۵۶۰۲.۵ (۳)۴۸۹۹.۵	(۱)۱۰۱۲۲.۱ (۲)۵۴۸۰.۱ (۱)۷۸۲۳.۴ (۱)۹۰۰۴۰.۰	۲۰۱۰ ۲۰۱۵ ۲۰۱۹ ۲۰۲۰	(۶) قزاقستان

{جریان تجارت (صادرات و واردات) بین اعضای منتخب طی سال‌های ۲۰۱۰، ۲۰۱۵ و ۲۰۲۰}

کارآمدی تجارت منطقه‌ای		صادرات به جهان		صادرات به سازمان		بلاروس	ازبکستان
شاخص عملکرد	۲ به ۱	۲ سهم از جهان	میلیون دلار	۱ سهم از سازمان	میلیون دلار		
۱۰۰	-۰.۵۸۰	۴.۳۴	۲۶۶۰۹۸.۲	۲.۵۱۷	۶۶۹۷.۱	(۱۳۱)۸۸	(۹۸)۵۰.۷
۱۰۴.۴۲	-۰.۶۰۶	۱۰.۴۵	۱۵۷۷۷۶۳.۸	۶.۳۲۹	۹۹۸۵۳.۱	(۱۱۳)۷۹.۵۶	(۸۷)۱۱۸۱.۰
۷۵.۴۵	-۰.۴۲۸	۱۳.۹۰	۲۲۸۱۸۵۵.۹	۶.۰۸۳	۱۳۸۷۹۵.۳	(۱۰۶)۷۴۷.۲	(۸۲)۲۲۳۶.۴
۸۷.۹۳	-۰.۵۱۰	۱۳.۳۴	۲۴۹۸۵۶۹.۹	۶.۸۰	۱۶۹۸۲۹.۷	(۸۶)۱۷۷۷.۷	(۵۴)۵۰۴۴.۶
۷۱.۰۶	-۰.۴۱۲	۱۵.۰۰	۲۵۹۰۶۰۷.۷	۶.۱۸۲	۱۶۰۱۵۴.۴	(۸۶)۲۱۱۳.۳	(۵۵)۱۴۵.۶
۱۰۰	۷۰.۶۱	۱.۶۳	۹۹۸۶۸.۴	۱۱.۵۱	۱۱۴۹۰.۴	(۴)۵۲۴۹.۴	(۳۷)۴۰۹.۱
۲۹.۳۴	۲۰.۷۲	۲.۵۹۶	۳۹۲۴۷۰	۵.۳۸	۲۱۱۴۲.۰	(۶)۱۸۰۰.۶	(۳۴)۱۶۶۳.۵
۵۷.۸۰	۴۰.۸۱	۲.۱۰۰	۳۴۱۴۶۵.۰	۸.۵۷	۳۹۲۵۸.۰	(۴)۱۵۲۰.۶۰	(۳۲)۲۱۶۰.۶
۱۵۹.۵۵	۱۱.۲۶۶	۲.۲۷۴	۴۲۲۷۷۷.۲	۲۵.۶۲	۱۰۸۳۲۸.۷	(۵)۲۰۵۴۵.۰	(۱۸)۳۹۰۸.۲
۷۳.۸۷	۵.۲۱۶	۱.۹۶۷	۳۳۷۱۰۵.۴	۱۰.۳۶	۳۴۵۷۲.۴	(۵)۱۵۹۸۰.۰	(۱۸)۴۶۵۹.۶
۱۰۰	۷.۲۶۳	-۰.۷۱۶	۴۳۸۷۸.۵	۵.۲۰	۲۲۸۱.۸	(۱۴۲)۲.۴	(۱۲۶)۱۰.۵
۳۹۰.۹۰	۳.۹۰۹	۱.۳۰۵	۱۸۱۸۶۰.۹	۴.۷۱	۸۵۶۷.۷	(۱۳۴)۲۹.۸	(۱۴)۵۶۶
۵۵.۷۵	۴۰.۴۹	۱.۶۰۸	۲۶۳۸۱۹.۰	۶.۵۱	۱۷۱۷۳.۹	(۶۷)۵۹.۶	(۱۰۶)۱۰۷.۸
۱۵۷.۰۵	۱۱.۴۰۶	۱.۷۲۵	۳۲۲۲۵.۷	۱۹.۶۸	۶۳۶۰.۴۰	(۱۳۸)۵۶.۰	(۹۱)۱۹۳.۵
۱۷۵.۱۶	۱۲.۷۲۱	۱.۵۹۵	۲۷۵۴۸۸.۷	۲۰.۳۹	۵۵۹۰۳.۱	(۱۳۸)۵۸.۹	(۹۱)۲۶۰.۸
۱۰۰	۳۳.۴۷	-۰.۳۹	۳۳۹۰۴۰	۱۳۰.۵۵	۳۱۲۰.۶	(۸۰)۰.۸۲	(...)۸۱.۷
۱۳۴.۸۲	۴۵.۱۳	-۰.۶۷۰	۱۰۱۳۱۶۰	۳۰۰.۲۳۸	۳۰۶۳۵.۹	(۷۵)۷.۶	(...)۶۷.۵
۲۸۲.۶۴	۹۴.۶۱	-۰.۳۸۸	۶۳۰۰۰۰	۳۶.۷۲۱	۲۴۱۳۴.۳	(۷۳)۱۱.۷	(...)۲۳۷.۶
۱۰۹۲.۷۵	۳۶۵.۷۹	-۰.۱۶۵	۴۰۷۴۵.۹	۵۸.۵۲۶	۱۷۹۹۶.۳	(۷۲)۹.۲	(۱۶)۲۰۴.۴
۲۹۷۵.۹۶	۹۹۶.۱۷	-۰.۰۶۹	۱۱۷۷۶.۲	۶۸.۷۳۶	۲۰۹۴.۵	(۶۸)۱۲.۰	(۲۳)۱۰۷.۰
۱۰۰	۳۷.۴۴	-۰.۱۹۵	۱۱۹۳۰.۱	۷.۳	۸۶۷.۴	(۱۳۵)۰.۸	(۱۰۵)۳.۳
۳۲۷.۸۸	۱۲۲.۷۵	-۰.۱۴۲	۲۱۴۱۳.۱	۱۷.۴۳	۲۷۳۳.۰	(۱۴۵)۰.۲۸	(۱۱۸)۲.۷
۳۷۴.۷۶	۱۴۰.۲۹	-۰.۱۲۵	۲۲۰۸۹.۰	۱۸.۹۴	۶۱۸۲.۹	(۱۴۶)۰.۴	(۱۱۹)۳.۰
۳۷۹.۰۲	۱۴۱.۸۸	-۰.۱۲۷	۲۳۸۱۸.۸	۱۸.۰۲	۴۲۹۱.۰	(۱۳۴)۱.۰	(۷۲)۲۲.۶
۴۰۷.۱۰	۱۵۲.۴۰	-۰.۱۲۹	۲۲۲۲۷.۲	۱۹.۶۶	۶۳۷۱.۷	(۱۳۴)۱.۱	(۷۲)۲۵.۲
۱۰۰	۷۵.۱۶	-۰.۳۷۸	۵۷۲۴۴.۰	۲۸.۴۱	۱۶۲۶۱.۰	(۴۱)۴۱.۵	(۱۶)۱۱۰.۱۲
۱۳۴.۰	۱۰۰.۷۱	-۰.۳۸۱	۴۵۷۲۲.۰	۲۸.۳	۱۲۹۶۰.۶	(۴۴)۵۳.۵	(۸)۹۴۲.۳
۱۳۴.۸۸	۱۰۰.۱۳	-۰.۳۱۰	۵۷۷۲۲.۹	۳۱.۳۵	۱۸۰۹۷.۴	(۳۶)۱۰۰.۵	(۶)۱۹۸۱.۶
۲۰۸.۴۲	۱۵۶.۶۴	-۰.۲۷۴	۴۶۹۴۹.۷	۴۲.۹۲	۲۰۱۴۸.۵	(۳۸)۶۹.۶	(۵)۲۱۳۳.۳

ادامه جدول ۴. جایگاه ایران و سازمان همکاری شانگهای در تجارت جهانی و روند تجارت آنها

قزاقستان	پاکستان	ایران	هند	روسیه	چین	شرح (افقی: صادرات، عمودی: واردات)	
						۲۰۱۹	۲۰۲۰
(۴)۱۲۳۷.۳	(۱۱)۹۳.۸	(۸)۳۰۸.۵	(۳۰)۱۰۰.۱	(۲)۲۰۶۷.۲	(۳)۱۷۶۷.۶	۲۰۱۹	(۷) ازبکستان
(۵)۷۳۲.۳	(۱۱)۹۷.۴	(۹)۱۳۵.۹	(۲۷)۱۳.۹	(۳)۱۱۶۱.۸	(۲)۱۲۸۲.۱	۲۰۲۰	
(۲۲)۲۸.۵	(۷۶)۲.۱	(۱۹)۳۷.۹	(۱۵)۶۵.۰	(۱)۳۹۶۲.۷	(۸)۱۴۳.۱	۲۰۰۱	(۸) بلاروس
(۹)۴۶۴.۸	(۵۲)۳۲.۷	(۲۵)۹۷.۲	(۹)۳۳۰.۸	(۱)۹۹۵۳.۷	(۸)۴۷۵.۸	۲۰۱۰	
(۱۱)۵۲۵.۱	(۳۸)۴۳.۸	(۴۱)۳۹.۰	(۱۲)۳۱۶.۵	(۱)۱۰۳۹۸.۴	(۸)۷۸۰.۷	۲۰۱۵	
(۹)۷۳۴.۸	(۴۶)۳۵.۰	(۶۴)۱۷.۷	(۱۱)۳۸۹.۱	(۱)۱۲۴۲۴.۱	(۹)۶۳۴.۷	۲۰۱۹	
(۹)۷۲۵.۸	(۴۹)۳۱.۷	(۷۸)۱۰۰.۰	(۱۲)۴۰۰۰.۰	(۱)۱۳۰۰۴.۵	(۸)۷۴۵.۲	۲۰۲۰	
۲۰۶۵۴.۱	۱۰۲۱۱.۲	۱۸۳۳۲.۰	۵۸۱۳۱.۴	۴۵۷۰۸.۹	۶۷۲۳۵.۰	۲۰۱۰	واردات از کشورها
۱۹۶۵۲.۸	۱۸۸۴۴.۷	۲۲۶۱۱.۴	۷۰۸۴۵.۱	۵۱۵۵۴.۱	۶۱۰۷۷.۸	۲۰۱۵	
۲۹۱۸۹.۸	۱۸۲۰۱.۷	۱۵۱۸۶.۹	۸۷۵۷۹.۷	۷۴۱۸۲.۵	۱۳۸۷۴۹.۴	۲۰۱۹	
۲۷۶۰۹.۵	۱۶۶۶۳.۰	۱۶۵۶۵	۷۵۲۳۸.۲	۷۳۱۵۰.۸	۱۲۰۰۴۱.۹	۲۰۲۰	
۸۶۰۰۵۹	۲۷۲۳۰	۳۲۹۱۲	۱۶۶۰۶	۱۹۹۶۹	۴۸۱۴	۲۰۱۰	سهیم واردات از کشورها
۶۴۲۲۵	۴۲۸۲۹	۵۶۵۲۹	۱۸۱۲۸	۲۹۰۷۷	۳۶۳۲	۲۰۱۵	
۷۶۰۰۱۵	۳۶۲۳۱	۳۶۸۶۱	۱۸۲۸۸	۳۰۴۲۸	۶۷۰۶	۲۰۱۹	
۷۲۴۶۶	۳۶۳۸۲	-	۲۰۴۴۲	۳۱۵۷۱	۵۸۴۰	۲۰۲۰	
۲۴.۰	۳۷.۵	۵۵.۷	۳۵.۰	۲۲۸.۹	۱۳۹۶.۰	۲۰۱۰	واردات از جهان
۳۰.۶	۴۴.۰	۴۰.۰	۳۹.۸	۱۷۷.۳	۱۶۸۱.۷	۲۰۱۵	
۳۸.۴	۵۰.۱	۴۱.۳	۴۷۸.۹	۲۴۳.۸	۲۰۶۹.۰	۲۰۱۹	
۳۸.۱	۴۵.۸	-	۳۶۸.۰	۲۳۱.۷	۲۰۵۵.۶	۲۰۲۰	
۰.۱۵۶	۰.۱۷۹	۰.۳۶۳	۲.۲۸۲	۱.۴۹۲	۹.۱۰۱	۲۰۱۰	سهیم از واردات جهان
۰.۲۲۲	۰.۲۶۶	۰.۲۴۹	۲۳۵۹	۱۰.۷۰	۱۰.۱۵۱	۲۰۱۵	
۰.۲۰۱	۰.۲۶۳	۰.۲۱۶	۲۵۱۰	۱.۲۷۸	۱۰.۸۴۴	۲۰۱۹	
۰.۲۱۷	۰.۲۶۱	-	۲۰۹۷	۱.۲۲۰	۱۱.۷۱۳	۲۰۲۰	

{جریان تجارت (صادرات و واردات) بین اعضای منتخب طی سال‌های ۲۰۱۰، ۲۰۱۵، و ۲۰۲۰}

کارآمدی تجارت منطقه‌ای شاخص عملکرد	صادرات به جهان			صادرات به سازمان		بلاروس	ازبکستان
	۲ه‌ا	۲ سهم از جهان	میلیون دلار	۱ سهم از سازمان	میلیون دلار		
	۶۰۷۵۳	۰۰۷۷	۱۴۳۴۴۷	۴۶۷۸	۶۷۱۰۲	(۱۳)۴۴۴	-
	۵۰۴۲۱	۰۰۷۶	۱۳۱۲۷۳	۳۸۳۲	۵۰۳۰۰	(۱۴)۳۷۳	-
۱۰۰	۴۶۹۸۴	۰۰۱۲۲	۷۴۵۰۶	۵۷۳۲	۴۲۷۰۷	-	(۳۳)۱۶۶
۵۸۸۱	۲۷۴۹۱	۰۰۱۶۷	۲۵۲۸۳۵	۴۵۹۱	۱۱۶۰۶۵	-	(۲۶)۹۵۱
۵۹۹۱	۲۸۰۰۶	۰۰۱۶۴	۲۶۶۶۰۴	۴۵۹۳	۱۲۲۴۴۷	-	(۴۲)۳۷۵
۵۵۱۰	۲۵۸۹۰	۰۰۱۸۱	۳۳۷۲۶۱	۴۶۸۶	۱۵۸۰۳۹	-	(۱۲)۱۸۶۶
۶۶۱۴	۳۱۰۷۷	۰۰۱۶۹	۲۹۱۷۹۴	۵۲۵۲	۱۵۳۳۵۰	-	(۱۴)۲۳۵۶
۱۰۰	۰۰۵۱۲	۱۵۶۱۹	۲۳۵۷۵۵۵۳	۷۹۹۶	۱۸۸۴۹۸۸	۱۱۳۹۱۱	۴۱۶۷۶
۱۸۲۲	۰۰۹۳۳	۱۸۵۵۱	۳۰۴۴۸۱۳	۷۸۰۹	۲۳۷۷۵۰۱	۱۵۲۷۱۲	۵۷۴۱۲
۱۲۷۷۴	۰۰۶۵۴	۱۸۱۷۳	۲۴۰۶۹۵۶۲	۱۱۸۸۶	۴۰۴۶۵۹۲	۲۰۶۸۹۵	۱۱۹۴۰۵
۱۰۹۶۳	۰۰۵۶۱	۱۹۲۶۰	۲۳۲۶۴۷۱۶	۹۱۲۷	۳۰۳۵۹۹۶	۱۶۰۹۰۷	...
						۳۲۶۵۴	۴۷۷۰۲
						۵۰۴۱۴	
						۵۳۸۶۶	
						۴۰۷۶۰	
۱۰۰	۰۰۷۹۹	۱۳۸۶۷	۲۱۲۷۰۰۰	۱۱۰۸۷	۲۳۵۸۱۱۳	۳۴۹	۱۲۰
۹۵۱۲	۰۰۷۶۰	۱۴۵۲۷	۲۴۰۶۷۰۰	۱۱۰۳۵	۲۶۵۵۷۸۲	۳۰۳	۲۱۰
۱۰۶۲۸	۰۰۸۵۰	۱۵۶۳۳	۲۹۸۲۸۰۰	۱۳۲۶۷	۳۹۵۷۲۰۰	۳۹۵	۲۱۹
۹۳۱۲	۰۰۷۴۴	۱۵۹۰۷	۲۷۹۲۰۰۰	۱۱۸۳۵	۲۳۰۴۴۰۱	۳۲۸	۲۰۰
						۰۰۲۲۸	...
						۰۰۱۸۳	۰۰۷۲
						۰۰۳۰۷	۰۰۱۱۵
						۰۰۱۸۷	۰۰۱۱۴

Source: IMF, Direction of Trade Statistics Yearbook, 2010-2015, Trade Map, 2019-2020.

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش در محورهای تجانس و همگونی اقتصادی، شاخص‌های توسعه و اقتصاد بین‌الملل، شرکای تجاری طبیعی منطقه‌ای و جهانی، روندهای سیاست تجاری، و ارزیابی کارآمدی و همگرایی تجارت درون و فرا منطقه‌ای سازمان همکاری شانگهای با محوریت جایگاه تجارت بین‌الملل ایران طی دوره بلندمدت ۲۰۲۰-۲۰۰۰ گویای آن است که:

۱. در ادبیات تجارت مطرح می‌شود که همگرایی منطقه‌ای بین دو کشور توسعه‌یافته، موجب همگونی درآمد سرانه آنها می‌شود ولی این فرایند بین دو کشور در حال توسعه با اختلاف سطح توسعه موجب تشدید نابرابری و ناهمگونی درآمد سرانه آنها می‌شود. در بین اعضای سازمان، شکاف و دامنه پراکنش درآمد سرانه طی دوره بلندمدت مذکور، نه تنها کم نشده، بلکه شکاف درآمدی آنها عمیق‌تر نیز شده است. در واقع، طیف کشورهای با عملکرد اقتصادی بالا و ضعیف منطقه‌ای / جهانی از جنبه همگونی درآمد سرانه اعضا طی مدت مذکور مشاهده می‌شود. البته هنوز در خصوص عملکرد سازمان نظر قطعی نمی‌توان ارائه کرد، چراکه فرایند همگونی درآمد سرانه بین اعضا می‌تواند متأثر از اقدام‌ها و سیاست‌های اقتصادی اصلاحی خاص سازمان باشد که هنوز اقدام‌ها و سیاست تجاری جدی اتخاذ نشده است.
۲. ارزیابی شاخص‌های اقتصاد کلان بین‌المللی اعضا از جمله شاخص‌های کلان اقتصادی، تجارت کالا و خدمات و جریان سرمایه‌گذاری خارجی مطابق جدیدترین اطلاعات آماری گویای آن است که تحولات شایان توجهی در بسیاری از اعضا با محوریت چین و هند رخ داده است، اما در این میان، اوضاع اقتصاد کلان بین‌الملل ایران از جمله رشد اقتصادی، تورم و جریان سرمایه‌گذاری خارجی در

- مقیاس جهانی و حتی در بین اعضا، مناسب ارزیابی نمی‌شود.
۳. با تحلیل شرکای طبیعی تجارت (صادرات و واردات) کالایی (۶ شریک نخست) جهانی و منطقه‌ای اعضای سازمان، می‌توان اعضا را در سه گروه کشورهای با اقتصاد بزرگ مبتنی بر توسعه تجارت فرامنطقه‌ای با محوریت چین و هند، گروه کشورهای با اقتصاد کوچک مبتنی بر توسعه تجارت کاملاً درون منطقه‌ای (۶ کشور از ۱۲ کشور با اقتصاد کوچک) و گروه کشورهای با تجارت نامتقارن (تولید صادراتی فرامنطقه‌ای) از جمله ایران اشاره کرد.
۴. مطالعه روندهای سیاست تجاری اعضا در دوره بلندمدت نشان می‌دهد که بسیاری از اعضا به اقدام‌ها و اصلاحات اساسی کاهشی در سیاست تجاری با هدف تسهیل توسعه تجارت دست یافته‌اند، به طوری که سطح تعرفه برای برخی اعضا تا یک سوم روبه کاهش گذاشته است. در این بین، سیاست تجاری ایران با بی‌ثباتی بالایی مواجه بوده و سطح تعرفه بالا توأم با موانع تجاری غیرتعرفه‌ای متعدد و متنوعی وضع شده است و به سبب وقوع تکانه‌های غیراقتصادی، تحولات اصلاحی مهمی در سیاست تجاری ایران مشاهده نمی‌شود.
۵. محاسبات شاخص شدت صادرات درون منطقه‌ای ایران گویای آن است که طی دوره مورد مطالعه، دو تجربه نامتقارن و متمایز در تجارت ایران رخ داده است. در دوره ۲۰۱۰-۲۰۰۰ بهبود تجارت درون منطقه‌ای همسو با توسعه تجارت جهانی ایران رخ داده است، ولی از ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۹ به‌ویژه در سال ۲۰۲۰ با وضع تحریم‌های جدید و شیوع کرونا، به‌رغم توسعه تجارت درون منطقه‌ای، تجارت جهانی ایران شدیداً روبه‌افول گذاشته است (انحراف تجارت). بنابراین به‌منظور توسعه تجارت درون و فرا منطقه‌ای ایران اقدام‌ها و تدابیر سیاستی، برگرفته از پژوهش، پیشنهاد می‌شود:

۱. اصلاحات سیاستی کلان برای ثبات محیط اقتصاد کلان ایران با محوریت رشد و توسعه پایدار و فراگیر و کاهش ریسک‌ها با محوریت نرخ تورم و کنترل تکانه‌های غیراقتصادی صورت پذیرد.

۲. اصلاحات در سیاست تجاری ایران با هدف‌گذاری برچیدن موانع تجاری غیرتعرفه‌ای و ثبات بخشی توأم با منطقی‌سازی میزان نرخ تعرفه‌های گمرکی انجام گیرد.

۳. نظر به شناسایی شرکای تجاری طبیعی درون و فرامنطقه‌ای ایران، شرکای تجاری طبیعی بالقوه و بالفعل در شرایط ایستا و پویای بلندمدت و افق چشم‌انداز توسعه تجارت پایدار و فراگیر همه‌جانبه به‌خصوص توسعه صادرات صنایع کارخانه‌ای اشتغال‌زا، در گام‌های بعدی متعاقباً دانش‌بنیان و با بهینگی مرزی در توسعه تجارت مورد توجه قرار گیرد.

۴. تحولات ساختاری در تجارت کالا و خدمات ایران با هدف ارتقای مزیت‌های نسبی و دستیابی به مزیت‌های رقابتی با محوریت صنایع کارخانه‌ای اشتغال‌زای ارزآور و متعاقباً دانش‌بنیان و توسعه انواع خدمات از جمله گردشگری تحقق یابد.

منابع و مآخذ

۱. امیراحمدیان، بهرام و میرعبداله حسینی (۱۳۹۰). «مطالعه جایگاه ژئواکونومی سازمان همکاری شانگهای در جهان»، فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک (انجمن ژئوپلیتیک ایران)، سال هفتم، ش ۳.
۲. بزرگی، وحید و میرعبداله حسینی (۱۳۸۹). «سازمان همکاری شانگهای: تحولات گذشته و چشم‌انداز آینده»، *مطالعات اوراسیای مرکزی* (دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)، سال سوم، ش ۷.
۳. _____ (۱۳۹۰). «سازمان همکاری شانگهای و جنبه‌های عضویت دائم ایران»، *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، سال بیست‌وپنجم، ش ۲۸۴.
۴. حسینی، میرعبداله، بهرام امیراحمدیان و مهران نصیرزاد (۱۳۹۷). «مطالعه شاخص‌های توسعه‌ای کشورهای ساحلی خزر در فرایند همگرایی منطقه‌گرایی»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، سال یازدهم، ش ۱.
۵. حسینی، میرعبداله و وحید بزرگی (۱۳۸۱). «شرکای منطقه‌ای ایران و امکان تشکیل هسته مرکزی یک هم‌پیوندی منطقه‌ای»، *پژوهشنامه بازرگانی*، سال ششم، ش ۲۳.
۶. حسینی، میرعبداله و تقی هومن (۱۳۸۶). «مطالعه تطبیقی شاخص‌های اقتصاد کلان بین‌الملل کشورهای اکو در فرایند منطقه‌گرایی»، *دانش و توسعه*، سال ششم، ش ۲۳.
۷. حسینی، میرعبداله (۱۳۹۰). *توسعه تجارت ایران با سازمان همکاری شانگهای*، انتشارات شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
۸. راسخی، سعید و میرعبداله حسینی (۱۳۹۶). «ارزیابی همگرایی اقتصادی منطقه‌ای حوزه دریای خزر»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، سال دهم، ش ۱.
۹. مرادی حقیقی، فائزه و میرعبداله حسینی (۱۴۰۰). «بررسی ابعاد اقتصادی و تجاری سازمان همکاری شانگهای و فرصت‌های پیش‌روی ایران»، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
10. Andriamananjara Soamiley (1999). "On the Size and Number of Regional Integration Arrangements: A Political Economy Model", *Policy Research Working paper 2117*, The World Bank.
11. Asian Development Bank (2022). "Integration Indicators Technical Notes", <https://aric.adb.org/integrationindicators/technotes>
12. Barry, Donald and Ronald C. Keith (eds.) (1999). *Regionalism, Multilateralism, and the*

- Politics of Global Trade*, Vancouver, UBC Press.
13. Bhagwati, Jagdish and Arvind Panagariya (1996). "The Theory of Preferential Trade Agreements: Historical Evolution and Current Trends", *American Economic Review*, Vol. 86, Issue 2.
 14. Customs of the Islamic Republic of Iran. *Iranian Foreign Trade Statistics Yearbook*, Years 1998-2021 [in Persian].
 15. Flam, Harry and Elhanan Helpman (1987). "Vertical Product Differentiation and North-South Trade", *American Economic Review*, Vol. 77, No. 5.
 16. Helpman, E. (1981). "International Trade in the Presence of Product Differentiation, Economies of Scale and Monopolistic Competition: A Chamberlin-Heckscher-Ohlin approach", *Journal of International Economics*, 11 (3).
 17. Helpman, E. (1984). "The Factor Content of Foreign Trade", *The Economic Journal*, 94 (373).
 18. Hoekman, Bernard and Maurice Schiff (2002). "Benefiting from Regional Integration", in *Development, Trade and the WTO*, Washington, D.C: The World Bank.
 19. <https://eng.sectesco.org/>
 20. IMF (1998-2021). *Direction of Trade Statistics Yearbook*, Washington: International Monetary Fund Publications. (<http://www.IMF.Org>).
 21. Krugman, P. (1980). "Scale Economies, Product Differentiation, and the Pattern of Trade", *The American Economic Review*, 70 (5).
 22. _____ (1998). "What's new about the new Economic Geography?", *Oxford Review of Economic Policy*, 14 (2).
 23. Krugman, P. R. (1979). "Increasing Returns, Monopolistic Competition, and International Trade", *Journal of International Economics*, 9 (4).
 24. Scott-Smith, G. (2019). "The Shanghai Cooperation Organisation", In P. Lombaerde, L. Langenhove, & G. Rayp, *United Nations University Series on Regionalism*, Springer, Berlin.
 25. Sheila, Page (2000). *Regionalism Among Developing Countries*, Macmillan Press LTD, Overseas Development Institute, London.
 26. UNCTAD (1995-2020). *Handbook of International Trade and Development Statistics 1994-2008*, New York: UN Publications, www.UNCTAD.org.
 27. _____ (2021). *World Investment Report, FDI/TNC Database*, Geneva: Union Nation Conference Trade and Development, Retrieved from www.unctad.org/fdistatistics.
 28. Viner, J. (1950). *The Customs Union Issue*, New York, Carnegie Endow.
 29. World Development Indicators Database (1998 -2021). WWW. World Bank. [org/ data/](http://data/).
 30. World Bank (2000). *Trade Blocs: A World Bank Policy Research Report*, NY: Oxford University Press.